

آمریکا اطلاع داد. عمده مشکلات سپهبد رزم آرا برای انجام اصلاحات اساسی عبارت بودند از: مداخلات سفارت انگلیس، مخالفت‌های مصدق و جبهه ملی، شاه و خانواده‌اش، و حکیمی وزیر دربار.

برنامه دولت رزم آرا عبارت بود از: مبارزه با فساد، عدم تمرکز قدرت سیاسی و اداری؛ انحلال مجلس شورای ملی؛ محدود کردن قدرت شاه؛ توافق با شرکت نفت انگلیس و ایران به نحوی که با دیگر کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه عمل شده است؛ واگذاری مسؤلیت اجرای برنامه اقتصادی و اجتماعی به تقی نصر.

رزم آرا ضمن تسلیم پیشنهادهای خود به دوه‌ر، خواستار حمایت آمریکا از دولت او و جلوگیری از کارشکنی و توطئه‌های شاه شده بود؛ وی وعده کرد برنامه مبارزه با فساد، عدم تمرکز قدرت و برنامه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را اجرا کند؛ روند هواخواهی از سیاست بریتانیا را متوقف سازد و در مذاکرات با شرکت نفت انگلیس و ایران بر سر قرارداد الحاقی، ایستادگی کند. بدین ترتیب محمدرضا شاه، مانورهای دوه‌ر و سفارت آمریکا را که جنبه توصیه داشت، به صورت جدی تلقی کرد^(۱) و بدون ابراز تمایل مجلس شورای ملی فرمان نخست‌وزیری سپهبد رزم آرا را صادر کرد.

مطبوعات و رسانه‌های خبری ایالات متحده، زمامداری رزم آرا را به نشانه کوشش برای آغاز برنامه اصلاحات عمومی در ایران استقبال کردند.^(۲) رویارویی منافع آمریکا و شوروی، پس از شروع جنگ کره، اهمیت نفت خاورمیانه، بخصوص تجدیدنظر در قرارداد آرامکو با عربستان سعودی، تأثیر زیادی بر مناسبات آمریکا و انگلیس در ایران و نیز به قدرت رسیدن رزم آرا داشت.^(۳)

رزم آرا که به عنوان یک اصلاح‌طلب شجاع، کارآمد و ترقی‌خواه معرفی و تبلیغ شده بود، سه روز پیش از ورود دکتر هنری گریدی^(۴)، سفیر جدید ایالات متحد آمریکا به تهران، نخست‌وزیر شد و روز بعد کابینه خود را به مجلس معرفی کرد. گریدی، سفیر سابق آمریکا در یونان قبل از ورود به تهران در مصاحبه مطبوعاتی گفت:

1. Foreign Relations ; OP. Cit. P. 558.

۲. روزنامه کیهان مورخ ۸ تیر ۱۳۲۹. (نقل از صدای آمریکا)

3. Foreign Relations of the united states, Vol. 5, 1950, «Middle East Oil» PP. 75 - 96.

4. Henry F. Grady.

۱- ما در صورتی به ایران کمک نظامی خواهیم کرد که دولتی مورد اطمینان روی کار بیاید. این دولت پس از ورود من به تهران تعیین می‌شود و از پشتیبانی آمریکا برخوردار خواهد گردید...^(۱)

انگلیسی‌ها نیز امیدوار بودند رزم‌آرا لایحه قرارداد الحاقی را به تصویب مجلس برساند و مشکل نفت به سود آنها حل شود.

سپهد رزم‌آرا یکی از جنجال‌برانگیزترین چهره‌های سیاسی ایران در سال‌های دهه اول پس از شهریور ۱۳۲۰ بود. تحصیلات نظامی را در «سن سیر» فرانسه انجام داد، و در سایه هوشمندی، پشتکار و مهارت در جلب اعتماد فرماندهان، مراحل ترقی را به سرعت طی کرده بود. وی در سال ۱۳۱۶ به درجه سرتیپی ارتقا یافت. و در سال ۱۳۲۱ برای مدت بسیار کوتاهی به ریاست ستاد ارتش منصوب گردید، ولی حدود ۴۰ روز بعد سرلشکر حسن ارفع جای او را گرفت. رزم‌آرا در فروردین ۱۳۲۳ مجدداً بر رقیب خود ارفع، که از سوی سیدضیاء پشتیبانی می‌شد، فاتح آمد و بار دیگر رییس ستاد ارتش شد. رقابت بین او و سرلشکر ارفع، بر ساختار ارتش و دسته‌بندی سیاسی بین افسران، بویژه ایجاد سازمان نظامی حزب توده سایه افکند. در سال ۱۳۲۵ در جریان بحران آذربایجان و کردستان، رزم‌آرا با درجه سرلشکری مجدداً در رأس ستاد ارتش قرار گرفت. وی در بسیج و اعزام یگان‌های نظامی به آذربایجان نقش اساسی داشت. پس از فرار پیشه‌وری و پایان غائله آذربایجان و کردستان، گروهی از افسران و درجه‌داران ارتش که به دموکراتها پیوسته و دستگیر شده بودند، به دستور او محاکمه و تیرباران شدند.

سپهد رزم‌آرا در انتخابات مجلس مؤسسان سال ۱۳۲۸ و نیز دوره شانزدهم مجلس شورای ملی دست داشت. وی با اینگونه اقدامات، رابطه‌اش را با دربار تقویت کرد و در عین حال قدرت خویش را در ارتش تحکیم بخشید. دامنه نفوذ او در خارج از ارتش نیز گسترش یافت، به طوری که در سال ۱۳۲۷ عامل مؤثری در صحنه سیاسی ایران بشمار می‌آمد.

درباره روابط نابسامان شاه با رزم‌آرا که ضمن ستایش از کاردانی‌اش، نسبت به او سوءظن داشت و نیز این گفته لوروزقلی، سفیر انگلیس از قول شاه که «هیچ‌گاه او را

به نخست‌وزیری منصوب نخواهد کرد،^(۱) و سرانجام قتل او، شواهدی است که نشان می‌دهد انتصاب رزم‌آرا به نخست‌وزیری از سوی محمدرضا شاه به توصیه و یا تحمیل از سوی انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها بوده است.^(۲) از سوی دیگر نفوذ روزافزون جبهه ملی، فرود هژیر، وزیر دربار، و مهتر از همه مبارزه شدید دکتر مصدق در مقابله با تلاش‌های شاه در تحکیم قدرت و اختیارات خود و سرنوشت لایحه قرارداد الحاقی، او را ناگزیر به قبول زمامداری رزم‌آرا کرد.

بررسی خاطرات محمدرضا شاه نیز این نظریه را تأیید می‌کند که مهمترین دلیل انتصاب رزم‌آرا به نخست‌وزیری، مقابله با دکتر مصدق و کوشش در تصویب قرارداد الحاقی بوده است. شاه در کتابی که چند هفته پس از مرگش انتشار یافت، با اشاره به این موضوع می‌گوید:

«... آشفته‌گی‌های ناشی از نابسامانی وضع اقتصادی، بی‌نتیجه ماندن کوشش‌های دولت در مذاکره با شرکت نفت انگلیس و ایران و طولانی شدن آن، زمینه را برای فعالیت‌های مصدق هموار ساخته بود...»

در جایی دیگر، ضمن ابراز عدم رضایت از عملکرد رزم‌آرا می‌گوید:

«اقدامات رزم‌آرا نخست‌وزیر، آن گونه که من امید داشتم، به نتیجه نرسیده بود. وی همچنین نخواست یا نتوانسته بود مذاکرات با شرکت نفت را به نتیجه برساند، وضع او در پارلمان نیز وخامت‌بار بود. در این میان، مصدق با پیانان جذاب و سخنرانی‌هایش، در نهایت کارهائی به سان یک بازیگر ماهر عمل می‌کرد و به شهرت و اعتبار خود می‌افزود. اگر رزم‌آرا قاطعانه عمل کرده بود، مصدق به اوج شهرت نمی‌رسید...»^(۳)

روز ششم تیرماه ۱۳۲۹ سپهبد رزم‌آرا برای معرفی کابینه خود، که لیست آن قبل از انتصاب وی به نخست‌وزیری با مشورت سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس تنظیم شده بود،^(۴) در مجلس شورای ملی حضور یافت. اغلب وزیران از معاونین

۱- رونالد فری بر، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، گره‌آورنده: جیمزبیل، ویلیام راجرلوئیس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، نشر نو، ۱۳۶۸ فصل هفتم، صفحات ۲۸۵ - ۲۸۶.

۲- در مورد شهادت سیدضیاء در مورد خیر فرور رزم‌آرا رجوع کنید به: مصدق و نبرد قدرت: دکتر همایون کاتوزیان فصل هفتم، صفحات ۱۶۷ همچنین: کهنه سرباز: سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی، صفحات ۲۵۲ - ۲۵۸.

3. Answer to History; by : Mohammad Reza Pahlavi, Stein and day Publishers, New York, 1980, P. 83.

۴- گزارش پاجمن، ۲۰ ژوئن ۱۹۵۰، Fo 248 / 1493.

وزارتخانه‌ها و رتبه‌های بالای اداری تحصیل کرده بودند که برای اولین بار عهده‌دار مقام وزارت می‌شدند.^(۱)

جبهه ملی ایران، در اعلامیه‌ای که روز ۵ تیرماه صادر شده بود و مصدق در جلسه روز ۶ تیر مجلس شورای ملی آنرا، در بیانات قبل از دستور قرائت کرد، نخست وزیر ری رزم‌آرا را «شبه کودتا» توصیف و خطر استقرار یک رژیم دیکتاتوری نظامی را به ملت ایران، هشدار داده بود. در این اعلامیه تأکید شده بود که:

«... جبهه ملی برای وفاداری به تعهداتی که در برابر مردم ایران دارد، به منظور ایفای سوگندی که نمایندگان ما به کتاب آسمانی یاد کرده‌اند و از نظر حفظ حقی که به افراد یک ملت تعلق می‌گیرد، به جهانیان اعلام می‌دارد که به هیچ وجه زیر بار تحمیل حکومتی که با تشبیه به اجانب، یا تحمیل و اسباب چینی بیگانگان و به رغم تمایلات عمومی روی کار آمده است، موافقت نخواهد کرد و افتخار خواهد داشت که در راه حراست شعائر ملی و دینی و نگهداری مشروطیت و دموکراسی، جان افراد خود را فدا کند...»^(۲)

آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی نیز در اعلامیه‌ای «... به تبعیت از افکار عامه مسلمین مخالفت خود را با حکومتی که بر خلاف افکار عمومی و کمک به بیگانگان و تحریک و تشبیه آنها در شرف تشکیل است»، اظهار داشته بود.^(۳)

پس از قرائت اعلامیه‌های جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی، مصدق به طور مشروح شمه‌ای از تاریخچه جنگ بین‌المللی دوم و احساسات مردم ایران نسبت به آلمانی‌ها و تنفر از سیاست انگلیس، آمریکا را دنباله‌رو سیاست بریتانیا دانست. آنگاه علی منصور را به خاطر کناره‌گیری ناگهانی‌اش مورد انتقاد قرار داد و گفت:

«... دیروز هم آقای منصور زمامدار بود که برای همین کار آمده بود. آنهایی که می‌خواستند این وضعیت برپا شود، مردی را آوردند که به واسطه حُب جاه و تأمین مقام، به محض اینکه بگویند استعفا بدهید، استعفا کنند و بروند. [...] منصور همان زمامداری بود که ۴۸ ساعت قبل از استعفا، وزیر دارایی خود را به مجلس معرفی

۱. اسامی وزیران دولت رزم‌آرا بدین شرح بود: وزیر دادگستری: محمدعلی بوذری - کفیل وزارت خارجه: محمود صلاحی - وزیر کشور: سپید رزم‌آرا - وزیر جنگ: سرلشکر عبدالله هدایت - وزیر دارایی: دکتر نفی نصر - وزیر فرهنگ: دکتر شمس‌الدین جزایری - وزیر بهداری: دکتر جهانشاه صالح - وزیر اقتصاد ملی: دکتر مرتضی آزموده - وزیر کشاورزی: مهندس ابراهیم مهدوی - وزیر کار: دکتر محمد نخعی - وزیر راه: مهندس شریف امامی - وزیر پست و تلگراف: مهندس اشرفی - وزیر مشاور: خلیل فهیمی.

۲. اعلامیه جبهه ملی که در جلسه سه‌شنبه ۶ تیرماه ۱۳۲۹ مجلس شورای قرائت شد.

۳. این اعلامیه نیز در جلسه ۶ تیر مجلس بوسیله دکتر مصدق قرائت گردید.

نمود و همان منصور بود که می خواست در این جلسه جواب استیضاح را بدهند؛ پس چه شد که این نخست وزیر نیامد و مشکلات خود را در مجلس نگفت و مردم را مستحضر ننمود و استعفا کرد؟ [...] اکنون دولتی تشکیل شده که برخلاف سن پارلمانی است و ما نمایندگان جبهه ملی نمی توانیم با آن مخالفت نکنیم...

دکتر مصداق با اشاره به ملاقاتش با سپهبد رزم آرا در روز سوم تیر، که به درخواست رزم آرا صورت گرفته بود، افزود:

... من می گفتم اگر از طریق آزادی و دموکراسی نتوانیم کاری بکنیم، از طریق اختیاتی و زور و قلندری برای مردم ناراضی نمی توانیم کاری انجام دهیم. ما باید قانون انتخابات و مطبوعات و حکومت نظامی را که مخرج آزادی و ترقی مملکت است، اصلاح کنیم. پس از آن قدم های دیگری در ادارات و امور اقتصادی و تعدیل بودجه برداریم.

او می گفت این حرفهایی که شما می زنید، برای یک شب مردم شام نمی شود و من می گفتم که حکومت زور و قلندری ممکن است یک شب و یا اینکه چند سال به مردم نثنی بدهد ولی تا خود مردم نتوانند در امور اجتماعی دخالت کنند، هیچ وقت صاحب نان نمی شوند و باید همیشه سر بی شام بگذارند...

مصداق همچنان به ضرورت اصلاح قانون انتخابات و نتایج آن، همچنین اصلاح قانون مطبوعات تأکید دارد و آنرا ضامن دموکراسی و جلوگیری از اشاعه فساد می داند و می گوید:

اصلاح قانون انتخابات سبب می شود که نمایندگان بدانند انتخابشان در دوره بعد، منوط به رضایت ملت است. اصلاح قانون مطبوعات سبب می شود که جرایم و جزای خائن و دزدان را معرفی کنند و قبل از محاکمه، روزنامه را توقیف و مدیر آنرا زندانی نکنند. [...] خطر حکومت دیکتاتوری در درجه اول، متوجه مقام سلطنت است. ما با حکومت دیکتاتوری و هر حکومتی که برخلاف افکار عمومی و آزادی تشکیل شود، مخالفیم و هرگز راضی نمی شویم که در رأس این دولت کسی واقع شود که قسمت بزرگی از بدبختی های مملکت، نتیجه دخالت او در سیاست است...

مصداق در پایان سخن، بار دیگر با تأکید به تعهد خود و پارانش در جبهه ملی در ادامه مبارزه علیه حکومت دیکتاتوری و مخالفت با سیاست دولت آمریکا، بریتانیا و شوروی، اظهار داشت:

«من و تمام رفقایم به یکدیگر قول شرف داده ایم و در این جلسه به ملت ایران قول

می‌دهیم که تا جان در بدن داریم و تا وداج و سباب^(۱) ما را قطع نکرده‌اند، با هر حکومت انفرادی، که می‌دانیم پس از آن حکومت انفرادی زنگزده دیگری برقرار می‌شود، و سیاست آمریکا که به کلی از بین می‌رود، دو دولت مجاور ما با هم بسازند، قویاً مخالفت می‌کنیم.

بخش چهارم — اعتراض به حضور هیأت دولت در مجلس

هنگامی که سپهبد رزم آرا، با لباس غیرنظامی برای معرفی کابینه اش وارد تالار مجلس شد، نمایندگان جبهه ملی به حضور وی اعتراض کردند. تماشاچیان و نمایندگان مطبوعات نیز به طرفداری و مخالفت با او، دست به تظاهرات زدند! نمایندگان فراکسیون وطن (جبهه ملی) با فریاد «برای چه آمده اید؟ ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی رود؛ ملت ما با دیکتاتوری مخالف است»، از هیأت دولت استقبال کردند.

صورت جلسه مذاکرات روز ششم تیر ماه ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی، هنگام حضور رزم آرا در مجلس برای معرفی کابینه اش، حاکی از فریاد مخالفان و هواداران دولت و تشنج شدید و کم سابقه در فضای تالار جلسه علنی است. برای درک فضایی که رزم آرا کابینه خود را در آن معرفی کرد، بخشی از بیانات مخالفان و موافقان در زیر نقل می شود:

دکتر بقایی — ما دیکتاتوری نمی خواهیم. (همه نمایندگان)

دکتر شایگان — ما تسلیم دیکتاتوری نمی شویم.

دکتر بقایی — ملت ایران تسلیم دیکتاتوری نمی شود. (زنگ ریس)

پراسته — ساکت شو آقای دکتر بقایی (زنگ ریس)

نورالدین امامی — دیکتاتور شما هستید، شما خودتان می خواهید دیکتاتوری ایجاد کنید. (زنگ ممتد ریس)

(در اینموقع نظم در میان تماشاچیان به هم خورد)

ریس — ساکت شوید، تماشاچیان را که اخلاص می کنند و نظم را به هم می زنند بیرون کنید.

دکتر بقایی — ما تسلیم دیکتاتوری نمی شویم.

ریس — بنشینید، والا به شما اخطار می کنم.

مکی — ما دیکتاتور نمی خواهیم

ریس - اینکه نمی شود، مجلس مظهر اراده ملت است. (صحیح است)
پیرامته - آقای ریس، ساکت کنید اینها را.

نمایندگان فراکسیون وطن - ما دیکتاتوری نمی خواهیم. (زنگ ریس)
ریس - تا فردا صبح هم این حرف را بزنید، نمی شود.

دکتر بقایی - نمی شود مجلس را این طور مرعوب کنید. (زنگ ممتد ریس)
ریس - شما تا فردا صبح هم بفرمایید، فایده ندارد. من به شما اخطار کردم. دفعه دوم هم اخطار می کنم.

دکتر بقایی - این کسی است که آیت الله کاشانی را تبعید کرده است. ما تسلیم نمی شویم. شما ریس مجلس بودید که عمل تبعید انجام شد. (زنگ ممتد ریس)
دکتر شایگان - محال است، محال است که ما تسلیم دیکتاتوری شویم.
فقیه زاده - همیشه این ده نفر نمی گذارند مجلس کار بکند. مگر حکومت مشروطه نیست؟

نمایندگان فراکسیون وطن - ما تسلیم دیکتاتوری نمی شویم. (زنگ ممتد ریس)
ریس - مگر مملکت مشروطه نیست. بنشینید آقایان.
پیرامته - اینها عوام فریبی است.

دکتر بقایی - ما در اینجا هستیم ولی ملت ایران تسلیم نخواهد شد. (همهمه نمایندگان)

نصرتیان - مجلس که مطیع شش نفر نمی شود.

شوشتری - حکومت پارلمانی است. (زنگ ممتد ریس)

پیرامته - اینها هیچ کدام حق ندارند در مقررات مملکت دخالت کنند. (زنگ ممتد ریس)

دکتر بقایی - ما نمایندگان تهران هستیم و به نام ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی رویم. (زنگ ممتد ریس)

شوشتری - اجازه بدهید آقایان، حکومت پارلمانی... (در اینموقع به علت به هم خوردگی حال دکتر مصدق، چند لحظه سکوت مجلس را فراگرفت...)

شوشتری پیرامون بودجه مجلس و روزنامه رسمی مجلس صحبت کرد. سپس رضا حکمت (سردار فاخر) ریس مجلس درباره تظاهرات نمایندگان و نظر مجلس شورای ملی و رأی اکثریت مطالبی ایراد کرد و گفت: «ده نفر، بیست نفر، سی نفر در مجلس شورای ملی می توانند اظهار عقیده بکنند، عقیده شان هم محترم است. اما نمی توانند مجلس شورای ملی را از کار بپندازند.» (صحیح است)

دکتر شایگان - اصول رعایت نشده.

دکتر بقایی - در همین مجلس، آیت الله کاشانی را تبعید کردند، شما هیچ اقدامی نکردید، برخلاف مشروطیت بود.

ریس - من خودم اقدام کردم.

نورالدین امامی - (اشاره به اقلیت) شما حق ندارید افکار اکثریت را ترور کنید.

حرفی دارید بروید پشت تریبون بزنید.

رییس - آقای نخست‌وزیر (در اینموقع چند نفر از تماشاچیان تظاهری کرده و دست زدند)

دکتر بقایی - برای ناجی‌های عظیم‌الشان این طور می‌کنند، می‌بینم آن روزی که این گردن کلفت‌ها را بالای دار بکشند.

رییس - تمام تماشاچیها، آنهایی که دست زدند بیرون کنید.

دکتر بقایی - این‌طور مجلس را مرعوب می‌کنند. مجلس مرعوب است، مجلس مرعوب است.

رییس - ماده ۲۰۶ آیین‌نامه داخلی قرائت می‌شود. (به شرح زیر قرائت شد).

ماده ۲۰۶ - هر یک از تماشاچیان ...

دکتر بقایی - دودش توی چشم خود شماها خواهد رفت، چوب بست‌های دیکتاتوری بالاخره نابود خواهد شد و چوب بست را به دور می‌ریزند (زنگ

رییس)

فقیه‌زاده - بفرماید آقای رییس‌الوزرا.

نخست‌وزیر (سپید رزم‌آرا) - بنده بسیار مفتخرم (مکی - البته افتخار هم دارد پشتیبانی آمریکا و انگلیس) با کمال افتخار و با اتکاء به اکثریت مجلس شورای ملی

(صحیح است) امروز مطالبی را که لازم است به عرض می‌رسانم. روز گذشته حسب‌الامر اعلیحضرت همایونی اینجانب مأمور تشکیل دولت شدم (دکتر مصدق

- اعلیحضرت را مجبور کردند) و در اجرای امر شاهانه، هیأت دولت تشکیل شد و با این شرح به اطلاع می‌رساند... (دکتر مصدق - آمریکا و انگلیس شما را آورده)

سپید رزم‌آرا پس از معرفی اعضای کابینه‌اش، از فقر و فاقه مردم و بی‌نظمی

ادارات سخن گفت و برای رفع مشکلات کشور خواستار همکاری صمیمانه نمایندگان مجلس شورای ملی گردید، و اعضای کابینه‌اش را «برجسته‌ترین و

مبرزترین افراد مملکت، که حاضر شده‌اند در مقابل ناملايمات ايستادگي و مبارزه

کنند و مملکت را نجات بدهند»، توصیف کرد. آنگاه رئیس برنامه دولتش را در

شش ماده بدین شرح قرائت کرد: (۱) واگذاری کارهای اداری و عمومی مردم به مردم، از طریق تشکیل انجمن‌های محلی. (۲) بهبود وضع اقتصادی کشور و اجرای

برنامه هفت ساله. (۳) تقدیم لوایح قانونی به منظور تجدیدنظر در مقررات و قوانینی

که با مقتضیات کشور وفق نمی‌دهد و تأمین استقلال قضایی. (۴) پایین آوردن هزینه زندگی و بالا بردن سطح زندگی عمومی و ایجاد عدالت اجتماعی. (۵) توجه کافی به فرهنگ و بهداشت و تعمیم آن از طریق انجمن‌های محلی. (۶) در سیاست خارجی

دولت، حفظ مناسبات حسنه با کلیه کشورها براساس احترام متقابل و رعایت منشور ملل متفق...

دکتر بقایی - دیکتاتوری با این حرف‌های فریبنده به وجود می‌آید. [...] در اینموقع هیأت دولت جلسه را ترک کردند.

دکتر مصدق - بروید گم شوید. در را ببندید که دیگر نیایند.

دکتر بقایی - ولی لعن و تنگ ابدی بر شما آقای سردار فاخر خواهد ماند!

رییس (سردار فاخر) - ملت ایران من را تقدیس خواهند فرمود. بعد از مرگ ملت ایران مجسمه من را خواهد ساخت. من حفظ اصول مشروطه را می‌کنم. من

می‌خواهم مجلس مظهر اراده ملت باشد، نه اشخاص...

آزاد - ولی دیکتاتوری را درست کردید.

رییس - من به شما تذکر می‌دهم.

آزاد - (باتعرض) شما سیاست انگلیس را تقویت کردید.

رییس - من به شما اخطار می‌کنم، رأی می‌گیریم شما از مجلس بیرون بروید.

فقیه‌زاده - تنفس بدهید، تنفس بدهید.

رییس - تنفس نمی‌دهم، رأی می‌گیریم ایشان را بیرون می‌کنم.

دکتر بقایی - آقای سردار فاخر، ایشان از مجلس بیرون کردن، نمی‌ترسند.^(۱)

سپهبد رزم‌آرا در مجلس سنا نیز با مخالفت چندتن از سناتورها رویرو شد.

دکتر احمد متین‌دفتری، نخست‌وزیر را دیکتاتوری دانست که «فرمان انحلال

مجلسین را در اختیار دارد». سوابق نظامی او و مداخلاتش در امور کشور، و

همچنین طرز انتصابش مسائلی بودند که نمایندگان مجلس شورا و برخی از

سناتورها را نسبت به او ظنین ساخته بود. با این همه حمایت سفرای آمریکا و

انگلیس و ظاهراً برخورداری از پشتیبانی شاه، موجب گردید که مجلس شورای ملی

با ۹۵ رأی موافق، (۸ رأی مخالف ۳ رأی ممتنع) به او ابراز اعتماد کند. در سنا نیز

۳۵ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به دست آورد.^(۲)

۱. نقل از مذاکرات مجلس، جلسه ۴۱ - شب ۶ تیر ماه ۱۳۲۹، نطق‌های دکتر مصدق در دوره شانزدهم

مجلس شورای ملی، انتشارات مصدق، صفحات ۴۸ - ۵۹.

۲. روزنامه باختر امروز، ۱۹ تیر ۱۳۲۹.

بخش پنجم — شکست دولت در تصویب لوایح در مجلس

به رغم شکست جبهه ملی در مخالفت با نخست‌وزیری رزم‌آرا، موضع‌گیری جبهه در برابر نخست‌وزیر پس از کسب رأی اعتماد از مجلسین و نیز سخنرانی‌های مصدق در مجلس که در مطبوعات طرفدار جبهه انتشار می‌یافت، واکنش‌های مخالفی را علیه او برانگیخت و زمینه را برای تشکل نیروهای سیاسی فراهم ساخت. احزاب ملی، کاشانی و پیروانش، بازاریان، دانشگاهیان، معلمان و اکثریت عظیمی از کارکنان دولت در مقابل نخست‌وزیر نظامی موضع گرفتند و بخصوص با طرح لایحه عدم تمرکز او، که خاطره کمیسیون سه‌جانبه متفقین در سال ۱۳۲۴ را تجدید می‌کرد و همچنین با لایحه قرارداد الحاقی، به مخالفت برخاستند.

سپهبد رزم‌آرا برای مقاومت در برابر مخالفان، که شمار آنها در مجلس شورا و سنا پیوسته افزایش می‌یافت، به مانورهای زیرکانه‌ای مبادرت ورزید؛ در دانشگاه تهران سخنرانی کرد و وعده داد طی چند ماه آینده، دولت او در زمینه مبارزه با فساد، اصلاح سازمانهای دولتی، بالابردن سطح زندگی مردم و اجرای عدالت اجتماعی اقدامات مهمی انجام خواهد داد. برای تصفیه نهادهای دولتی از عناصر فاسد، قانون تصفیه کارکنان دولت، مصوب تیر ۱۳۲۸ را با انتخاب کمیسیونی شروع به اجرا کرد؛ حدود یک هزار پرونده مربوط به سوابق مقامات بلندپایه مورد رسیدگی قرار گرفت. در تحقیقاتی که کمیسیون مزبور به عمل آورد و گزارش جنجال برانگیز آن در مرداد ۱۳۲۹ انتشار یافت، گروهی از مصادر امور به عنوان افراد ناصالح و فاسد شناخته شده و مشمول اخراج از خدمات دولتی گردیدند.^(۱) جالب

۱. کمیسیون، کارکنان دولت را به سه گروه تقسیم کرده بود. بند «الف» کسانی که ابقای آنها ضروری بود؛ بند «ب» کسانی که در بخش‌های آموزشی و تولیدی می‌توانستند مورد استفاده قرار گیرند. بند «ج» کسانی

این بود که پنج تن از افراد کابینه رزم آرا در بند «ب» و یک معاون وزارتخانه (پرویز خوانساری، معاون وزارت کار) در بند «ج» بودند!

وجود افراد متنفذی چون سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس و نیز وابستگان دربار مانند دکتر منوچهر اقبال و خسرو هدایت در بند (ج) دولت را در معرض انتقاد و دشمنی های شدید و نیز تهدید قرار داد. در نتیجه، اجرای قانون تصفیه، با رأی مجلس متوقف گردید و این امر که نشانه ناسازگاری گروهی از نمایندگان و در رأس آنها فراکسیون وطن بود، دولت رزم آرا را تضعیف کرد و تصویب لوایح اصلاحات اجتماعی او را در مجلس دشوار ساخت تا جایی که به سفیر انگلیس شکایت کرد که هیچیک از ۱۳۰ لایحه ای که دولت او به مجلس تقدیم کرده، به تصویب نرسیده است.^(۱) اقدام نخست وزیر در ترمیم کابینه و برکناری بهرام شاهرخ^(۲)، رئیس تبلیغات، و نیز مذاکراتش با نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا، در نظریه آن عده از نمایندگان و سناتورهایی که نسبت به او خوشبین نبودند، تأثیری برجای نگذاشت؛ با این همه اکثریت نمایندگان مجلس در انتظار سرنوشت لایحه قرارداد الحاقی و نیز نگران از تهدید به انحلال پارلمان، با او همکاری می کردند.

کشمکش رزم آرا با مطبوعات چپه ملی که در رأس آنها «باختر امروز» و «شاهد» بودند، در تمام دوران حکومتش ادامه داشت. مقالات این دو روزنامه، بخصوص باختر امروز در بیداری مردم و آگاه ساختن آنها از فعالیت های محرمانه دولت برای حل مسئله نفت، در جهت مورد نظر انگلستان و نیز کوشش در بسیج توده ها، موجب توقیف روزنامه های مزبور و بازداشت دکتر حسین قاضی، مدیر باختر امروز و همچنین اعتراض و استیضاح دولت در مجلس گردید. سرانجام دولت تضعیف شده رزم آرا و ادار به عقب نشینی شد. وی با لغو کلیه قوانین مطبوعاتی، به جز قانون اولیه ۱۳۲۶ قمری موافقت نمود و در مقررات حکومت

← که کار اساسی انجام نمی دادند یا فاقد صلاحیت و صحت عملی بودند و باید اخراج می شدند.

گفتنی است که در لیست بند «ج» افراد سرشناسی از قبیل: دکتر منوچهر اقبال - احمد آرامش - رضا حکمت (سردار فاخر) - سید محمد تدین - ابوالقاسم امینی - فضل الله بهرامی - داود پیرنیا - احمد علی سپهر (مورخ الدوله) - عباس شاهنده - سهراب شاهبختی - احمد توام - سید جلال شادمان - احمد حسین عدلی - علی اکبر موسوی زاده - خسرو هدایت - عزت الله هدایت و غیره دیده می شدند.

۱. گزارش پایین، ۱۴ فوریه ۱۹۵۱، Fo 248 / 1514؛ بهران دموکراسی در ایران، صفحه ۳۱۵.

۲. شاهرخ مدیر کل انتشارات و رادیو بود. نامبرده طی جنگ جهانی دوم بخش فارسی رادیوی برلن را اداره می کرد و به نفع آلمان تبلیغ می نمود، سپس با شرکت نفت به همکاری پرداخت.

نظامی تجدیدنظر کرد.^(۱)

مهمترین مشکل سپهبد رزم آرا در مقابله با مخالفان، درگیری او با جبهه ملی بود. وی تلاش می‌کرد تا آنجا که ممکن است تعداد طرفداران خود را در مجلس حفظ کند و مخالفین را به وسایل مختلف آرام سازد. رزم آرا کوشش زیادی به عمل آورد تا با مصدق به نحوی کنار بیاید، و یا به طریقی او را از سر راه خود بردارد؛ بدین منظور ملاقات‌هایی محرمانه و علنی، با رهبر جبهه ملی انجام داد و تقاضای نوعی همکاری کرد.^(۲) چون از این اقدام نتیجه نگرفت و تلاش او برای تفرقه میان سران جبهه ملی به نتیجه نرسید، درصدد برآمد از اختلاف بین حزب توده و جبهه ملی به سود خود بهره‌برداری کند. رزم آرا که سودای تحکیم قدرت را در سر می‌پروراند، قصد داشت برای پیشبرد مقاصد خود از هرگونه نیروی داخلی و خارجی استفاده کند و برای نیل بدین منظور از دادن امتیازاتی به اینگونه قدرت‌ها ایبا نداشت.

حزب توده از آغاز ماجرای امتیازخواهی و سپس رقابت بین آمریکا و انگلیس بر سر نفت، همچنان از استراتژی اتحاد جماهیر شوروی، یعنی مبارزه علیه آمریکا پیروی می‌کرد و سپهبد رزم آرا به سیاست «نفی» حزب توده آشنایی کافی داشت. وی برای بهره‌گیری از اختلافات حزب توده و جبهه ملی، با وجود غیرقانونی بودن حزب مزبور، فعالیت‌های آنرا به نحوی غیرمحسوس نادیده گرفت. گروهها و دسته‌جات چپ‌گرا، یا وابسته به حزب توده، بار دیگر به حرکت درآمدند و «سازمان هواداران صلح» به فعالیت پرداخت؛ و «جبهه واحد مبارزه با شرکت نفت انگلیس و ایران» با شعار «لغو و بطلان امتیاز نفت جنوب» شروع به کار کرد. روزنامه‌های حزب با عناوین مختلف، در سراسر کشور به طور مخفی و علنی انتشار یافتند. ده تن از سران حزب توده که پس از واقعه سوءقصد به شاه در بهمن ۱۳۲۷ زندانی بودند، از زندان قصر فرار داده شدند. بسیاری بر این باور بودند که زندانیان مزبور با اطلاع و موافقت رزم آرا گریخته‌اند.

از جنبه سیاست خارجی، رزم آرا امیدوار بود منافع انگلیس و آمریکا را از نفت ایران تأمین کند و با شوروی‌ها نیز، روابط دوستانه برقرار سازد. بدین منظور روابط سیاسی و تجاری با شوروی را توسعه داد. از اواسط مرداد ۱۳۲۹ مذاکرات

۱. باختر امروز، ۱۹ دی ۱۳۲۹.

۲. مصدق چگونگی این مذاکرات را در جلد ۲۷ نیر ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی قاش ساخت.

محرمانه‌ای بین نخست‌وزیر که به زبان روسی آشنایی داشت با سادچیکف، سفیر دولت اتحاد جماهیر شوروی، پیرامون مسائل مرزی و مطالبات ایران صورت گرفت. یک موافقت‌نامه بازرگانی با دولت اتحاد جماهیر شوروی به امضاء رسید. موافقت‌نامه‌های مشابهی با دولت‌های فرانسه، آلمان و ایتالیا منعقد شد، اما رزم‌آرا نتوانست از کمک مالی آمریکا که برای پیشبرد برنامه‌های اصلاحی خود روی آن حساب کرده بود، بهره‌مند شود و این موضوع که یک مشکل مهم مالی بود، موقعیت دولت او را آسیب‌پذیرتر می‌ساخت.

رزم‌آرا در همان چهار ماه اول به نخست‌وزیری ناگزیر شد از اجرای برنامه‌های بلند پروازانه خود، نظیر عدم تمرکز اداری و بهبود وضع اقتصادی مردم، چشم‌پوشی کند. حتی لوایحی مانند لایحه افزایش حقوق قضات، لایحه افزایش نشر اسکناس، بیمه‌های اجتماعی فرهنگیان و تعدادی لوایح دیگر در کمیسیون‌های مجلس شورای ملی بلا تکلیف مانده بود؛ دکتر مصدق و فراکسیون وطن پیشگام مخالفت با طرح و تصویب لوایح دولت در مجلس بودند.

هنگام طرح فوریت ماده واحده مبنی بر تشکیل انجمن‌های محلی در استان‌ها و شهرستان‌ها، دکتر مصدق لایحه را «طرح تجزیه ایران» دانست و گفت:

«طرحی که آقای سپهبد رزم‌آرا به مجلس آورده‌اند، طرح تجزیه ایران است. [..] شما را به همان قرآنی که در اینجا به آن سوگند خورده‌اید قسم می‌دهم که خوب توجه کنید، اگر عریض من به صلاح مملکت است، شما نباید به واسطه یک چیزهایی از صلاح مملکت بگذرید. با من همراهی کنید که این فوریت تصویب نشود. ما در این مملکت خیلی کارهای ضروری داریم. مگر مملکت اصلاحش به سازمان است که این آقا می‌گوید تا سازمان درست نشود، من نمی‌توانم کار کنم. مملکت اصلاحش به مجازات و مکافات است. آن روزی که به این آقا گفتم: من اگر دعوت بشوم بیایم در وزارت جنگ، میلیون‌ها دزدی را ثابت می‌کنم، اگر راست می‌گفت، اگر پاک می‌بود می‌بایست یک چنین لایحه‌ای را می‌آورد مجلس و می‌گفت: مجلس شورای ملی، این دکتر مصدق را مأمور کنید بیاید به حساب من رسیدگی بکند. من اگر نرفتم به حساب آقا رسیدگی نمی‌کردم، آقا را محکوم نمی‌کردم، آقا هم بیایند در مجلس به عنوان اتهام، بنده را تعقیب قانونی بکنند. [..] من در این مجلس گفتم یک کمیسیون پنج نفری انتخاب بشوند، یکی از آنها هم من باشم، بروم دو بیست میلیون که تحت نظارت این مرد خرج می‌شود و در برنامه خرج می‌شود، رسیدگی بکنم. آن روز روزی است که شما می‌توانید در این مملکت اصلاحات بکنید، والا، شما بیاید آن آدمی که در فلان اداره است بردارید و سر یک کار دیگر گذارید، چون با شما دوستی دارد، چون با شما ارتباط دارد. می‌خواهید با این کارها مملکت را درست بکنید؟ این

حرفها را مردم خیلی شنیده‌اند و از شما قبول نمی‌کنند...»

مصداق در توضیح علل مخالفت با طرح خود مختاری، با اشاره به سوابق تاریخی چند کشور اروپایی مانند سوئیس، آلمان، ایتالیا، بلغارستان و رومانی که با اتحاد چند ایالت، وحدت ملی و استقلال و آزادی کسب کرده‌اند، و نیز دولتی مانند مراکش و آلمان و کره پس از جنگ دوم جهانی که با مداخله دول استعماری وحدت آنها از بین رفت، همچنین ایران، که با قرارداد ۱۹۰۷ به منطقه نفوذ بریتانیا و روسیه تزاری تقسیم شده بود، لایحه خود مختاری دولت رزم‌آرا را در شرایط آن روز برای ایران مضر دانست و گفت:

«... من هیچ وقت نگفتم و نمی‌گویم شهردار هر شهر را مردم خود انتخاب نکنند. [...] ولی تشکیل دولت‌های خود مختار، سبب خواهد شد که بعد، وطن عزیز ما به دولت‌های کوچکتری تجزیه شود. من شنیده‌ام که نقشه این خود مختاری را، چندی پیش یکی از دول سرمایه‌داری به اعلیحضرت همایونی پیشنهاد کرده است و چون شاه وطن پرست با آن موافقت نفرموده‌اند، این دولت روی کار آمده است که کورکورانه مقصود دول سرمایه‌داری را انجام نماید...»

چون افکار عمومی دنیا اجازه نمی‌دهد عهدنامه به صورت قرارداد سال ۱۹۰۷ تنظیم کنند، این است که می‌خواهند ایران عزیز ما را با تصویب این ماده، به دول خود مختاری تقسیم و بعد، قسمت‌های مورد احتیاج را تحریک به عدم اطاعت و خودسری کنند و آنها را به اندازه‌ای تقویت نمایند تا به درجه‌ای برسند که هرچه می‌خواهند از آنها استفاده نمایند. البته امتیاز نفت یا تمدید [قرارداد] داری، از تحت الحمایه‌ای مثل بحرین سهل‌تر است تا اینکه آنها را از دول بزرگی مثل ایران درخواست نمایند.

اگر آمریکا و انگلیس می‌خواهند دولتی تأسیس کنند و از آن دول امتیاز نفت و یا تمدید امتیاز داری را بخواهند، چه مانعی است که دولت اتحاد جماهیر شوروی هم در آذربایجان و سایر ایالات شمالی، این امتیاز را از پیشه‌وری و امثال آن نخواهند. [...] ولی ما ایرانی هستیم و باید از وطن خود دفاع کنیم و بدانیم آن روزی که دولت اتحاد جماهیر شوروی، از پیشه‌وری امتیاز گرفت، روزی است که آمریکا و انگلستان هم در ایران بتوانند بمانند.

ما نمی‌خواهیم آمریکا وطن ما را اشغال کند و یا دولت‌های خود مختاری تشکیل دهند که مقصود خود را از آن حاصل نمایند، و نه دولت اتحاد جماهیر شوروی قدیمی در مملکت ما بگذارد و امتیازی از دولتهای مخلوق خود تحصیل نماید. ما می‌خواهیم ایران در وسط دو همسایه شمال و جنوب بماند و صلح بین‌المللی هم همین طریقه را ایجاب می‌نماید...»^(۱)

سرانجام فوریت لایحه خودمختاری در همان جلسه تصویب شد ولی در جلسات بعد همچنان با مخالفت اقلیت روبرو گشت و به تصویب نهایى نرسید. دکتر مصداق در جلسه ۱۹ شهریور ۱۳۲۹ درباره ظفره و تعلل سپهبد رزم‌آرا در اجرای قانون تصفیه کارکنان دولت، نخست‌وزیر را زیر سؤال کشید و او را متهم کرد که قصد دارد دزدان و غارتگران را از مجازات خلاص کند. وی علیه نخست‌وزیر اعلام جرم کرد و گفت:

«... جناب آقای رزم‌آرا! دولت هر قدر به قانون و افکار عمومی احترام کند، همان قدر می‌تواند به مملکت خدمت نماید. شما که به افکار عمومی اهمیت نمی‌دهید کوچکترین خدمتی به این مملکت نخواهید کرد. جناب آقای تیمسار! من در مدت عمرم خدمتی جز اینکه با اشخاص دزد و خائن و جاه‌طلب مبارزه کردم، ننمودم. این اعلام جرمی است که بر علیه جنابعالی و آقای بوذری [وزیر دادگستری] که خودشان مشمول بند «ب» هستند، تقدیم مجلس می‌شود. در خاتمه عرض می‌کنم که ما نمایندگان جبهه ملی شدیداً به اصلاحات این مملکت علاقه‌مندیم. هر دولتی که بخواهد شانه از این کار خالی کند، یا آن وزیر و آن دولت قویاً مبارزه می‌کنیم. [...] ما یا آن دولتی که به افکار عمومی توجه نکند، آن دولتی که بخواهد پرده‌پوشی در کار سارقین اموال اجتماعی بکند، شدیداً مبارزه می‌کنیم و از هیچ‌کسی باک نداریم و هر صورتی که در این مجلس پیدا می‌شود، بشود ما از این مجلس اگر رفتیم افتخار ابدی در دفتر خدمت ما نوشته می‌شود.»

پس از بیانات مصداق، رئیس مجلس اعلام جرم نماینده اول تهران را به کمیسیون عرایض ارجاع کرد و مجلس وارد دستور شد. در اینموقع چندتن از وزرا وارد تالار جلسه شدند. ورود بوذری با اعتراض نمایندگان جبهه ملی روبرو شد. بخشی از گفتگو و مشاجره نمایندگان در این مورد نقل می‌شود:

مکی - بوذری بند (ب) را حق ندارید بیاورید به مجلس. (زنگ رئیس)

یک نفر از نمایندگان - کی را نیاورند؟

مکی - وزرای دزد حق ندارند بیایند به مجلس. (همهمه نمایندگان)

دکتر مصداق - آقا، ما می‌خواهیم قانون اجرا شود. (زنگ رئیس)

کشاورز صدر - آقا، بنده طبق ماده ۱۰۰ اخطار دارم.

آزاد - بوذری حق ندارد بیاید. (زنگ رئیس)

دکتر مصداق - قانون گذشته، نمی‌تواند بیاید. (همهمه نمایندگان)

مکی - وزیری که تحت استیضاح است، از مدتش هم گذشته، حق ندارد بیاید. (زنگ

رئیس)

فولادوند - آقای مکی، من استدعا می‌کنم عرایضم را بپذیرید، بعد هرچه

می خواهید بفرمایید.

مکی - تمام جنایات مملکت را بودری کرده، او حق ندارد بیاید به مجلس، باید بلند شود پرود بیرون، و من ثابت می‌کنم.
دکتر مصدق - قانون باید اجرا شود.
مکی - بودری حق ندارد بیاید در مجلس، باید پرود بیرون (زنگ رییس) ...^(۱)

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی، مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۲۹، نطق‌های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مصدق، جلد اول، دفتر دوم، صفحات ۶۱ - ۶۸.

بخش ششم — دفاع از دولت رزم آرا

در جلسه ۲۱ شهریور مجلس شورای ملی، جمال امامی، در دفاع از اکثریت، نمایندگان جبهه ملی را متهم کرد که «جنگ و برادرکشی در مجلس ایجاد کرده‌اند». وی از بودری وزیر دادگستری دفاع کرد و گفت منظور از این شایعات جلوگیری از کمک آمریکا به ایران است:

«... بنده سابقاً هم عرض کرده‌ام که حاکم اکثریت است. وقتی که پا شوند و بگویند که دولت از اینجا برود، وزیر دزد است، راه باز می‌شود، او هم به من می‌گوید و من هم به او می‌گویم دزد. شما هم به من می‌گویید دزد، این عاقبتش وخیم است، به اینجا می‌رسد که رسیده‌ایم. [...] آخر به وزیری که آمده معرفی شده، چه طور می‌شود گفت؛ دزد. [...] من از آقای دکتر مصدق، با سابقه‌اش، با تجربیاتش تعجب می‌کنم که چرا به گونه مطالب توجهی نمی‌فرمایند، چرا نمی‌روند بگردند که این مطالب از کجا آب می‌خورد و چرا آمده‌اند ما را به هم ریخته‌اند؛ به عنوان بند و «الف» و «ب» از دو سال پیش که صحبت مساعدت آمریکا به ایران شروع شد. آقا، اصطلاحات جدیدی در این مملکت پیدا شد. کومین تانک، هزار فامیل، تصفیه، بیستید آقا اینها از کجا منتشر شد، این اصطلاحات از کجا آمد؟»

جمال امامی در دفاع از حکومت رضاشاه، ادعا کرد که در آن دوره دزد وجود نداشته و سیاست شمال و جنوب این القاب را برای ایجاد آشفتگی در ایران آورده‌اند. جمال امامی، که نقش او در مخالفت با نهضت و همکاری وی با سازمان جاسوسی MI-6 در فصول بعدی کتاب توضیح داده خواهد شد، با بیاناتی فریبنده و «عامه پسند» توصیه می‌کند که برای دریافت کمک صد میلیون دلاری از آمریکا، مجلس باید آرام و نمایندگان سر به زیر باشند.

«... شما را به خدا، انصاف بدهید؛ قبل از شهریور [۱۳۲۰] ما، در این مملکت دزد داشتیم؟ این القاب را خودشان برای ما آوردند. با فقر و فلاکت و بدبختی (آزاد - دزد

بود، کسی جرأت حرف زدن نداشت) این ارمغانی است که خودشان آوردند. [...] آقا، منظور این است که آمریکا به ما مساعدت نکند. (فقیه زاده - نمی خواهیم مساعدت کند.) این دو سیاست، دست به دست هم داده‌اند و این اوضاع را ایجاد کرده‌اند، آنها هم ساده و ساده لوح به این حرفها گوش می‌دهند. دو سال است کشمکش داریم که صد میلیون دلار به ما کمک کنند، در حالیکه در [جنگ] کره تاکنون ده میلیارد دلار خرج کرده‌اند...

جمال امامی برای بی اعتبار کردن تصمیم و رأی کمیسیون تصفیه و توجیه نظریه عوام پسندانه خود مبتنی بر اینکه قضیه «تصفیه» توطئه بیگانگان است، می‌گوید:

«شنیدم در موقع تنظیم صورت، یکی از افراد هیأت حاکمه پیشنهاد کرده بود که دکتر مصدق را هم مشمول بند «ج» کنند، مدارکی هم تهیه کرده بودند، مثل سایرین، لکن نکردند. تعجب است که نکردند، دلیلش هم این است که گفته‌اند: نه، دکتر مصدق سابقه خدمت ندارد، بعد از مجلس به سن تقاعد می‌رسد. می‌دانید چرا رأی ندادند به دکتر مصدق؟ برای اینکه هنوز به دکتر مصدق احتیاج دارند که این باقی مانده را هم چارو بکنند. آن روز که رفع احتیاجشان شد، می‌گذارند در فلاخن و چنان پرتش می‌کنند برود آنجا که عرب تی انداخت. این فلاخن را به دست مهندس فربور می‌دهند، روزی به دست کسان دیگر: آقای صالح درست است، خودت گفتی همین طور است؟ حال هم گولت می‌زنند. (اللهیار صالح - این طور نیست - از خودت اختراع می‌کنی...)»

نمی‌گذارید آقا، وقتی شما آمدید رأی دادید که هیأت حاکمه شما فاسد است [کمک] نمی‌کنند...^(۱)

صف‌بندی و مانورهای باندهای سیاسی و گروهی در حمایت از سپهبد رزم‌آرا، در برابر حملات گسترده مصدق و اقلیت، و نیز بی‌تجربگی و ناتوانی نخست‌وزیر در مقابله با اینگونه انتقادات و حملات، دولت او را بیش از پیش تضعیف می‌کرد. بیشتر اوقات مجلس شورای ملی صرف نطق‌های مصدق در مخالفت با سیاست داخلی و خارجی دولت می‌شد و فرصتی برای مذاکره و تصویب لوایح تقدیمی دولت باقی نمی‌گذاشت.

پاسخ به سخنان جمال امامی

در جلسه پنج‌شنبه ۲۳ شهریور، دکتر مصدق پس از پاسخ به بیانات نخست‌وزیر درباره ملاقاتی که در منزل صالح پیرامون نظریات جبهه ملی، بخصوص لایحه انجمن‌های ایالتی داشته است، موضوع بیانات جمال امامی را درباره تصمیم کمیسیون تصفیه برای در بند «ج» گذاشتن او، و علت خودداری از این اقدام را مطرح کرد و گفت:

«... من ۳۴ سال است بعد از مراجعت از اروپا، پس از خاتمه تحصیلاتم، در این مملکت با هرکسی که بدعمل بوده، یا هرکسی که خیانت به مملکت کرده، مبارزه کرده‌ام و هیچ هراسی نداشتم. به من هر قدر فحش دادند، بر عظمت و شأن من افزوده است (صحیح است) زیرا من تصور می‌کنم که وزن اشخاص در جامعه به قدر مصائب و زحماتی است که برای آن جامعه تحمل می‌کنند؛ آن کسی که برای جامعه کمر خدمت بیند، از کشته شدن، از ضرب و شتم هراسی نمی‌کند، چه طور می‌شود از دشنام و ناسزا بترسد؟ هر وقت که به من دشنام می‌دهند، خدا را به شهادت می‌طلبم که خوشوقت می‌شوم. می‌گویم این دشنامی که در راه خدمت و حق بوده، بر عظمت و شأن من افزوده می‌شود. از فحش و ناسزا به هیچ وجه باک ندارم ولی از چیزی که یک مختصر تهمتی به من باشد، بسیار هراسانم. ایشان فرمودند که در هیأت تصفیه می‌خواستند به موجب مدارک، مرا در بند «ج» بگذارید. (جمال امامی - نظر توهین‌ناشتم، نظر دفاعی بود) (سعید مهدوی - ایشان دفاع کردند) (مکی - مگر ایشان قیم می‌خواستند؟) من احتیاج به دفاع ندارم، هیأت تصفیه عملیانش یا روی شایستگی اشخاص بوده و یا روی عملیات خلاف قانون اشخاص. در شایستگی بنده گمان می‌کنم که هیأت تصفیه بعد از آنکه سه دوره، و سه مرتبه انتخابات در تهران، در سه انتخابات سنا و مجلس شورای ملی، دفعه اول و مجلس شورای ملی دفعه دوم بنده را در این مملکت نماینده اول خودشان قرار بدهند. (صحیح است) هیأت تصفیه قابل این نیست که در شایستگی من صحبتی بکند یا حرفی بزند. (صحیح است)...

بنده خواهشمندم سؤالی از هیأت تصفیه بشود؛ ببینم هیأت تصفیه چنین کاری می‌خواست بکند...»^(۱)

دکتر مصدق و نمایندگان فراکسیون وطن، به رغم اکثریت طرفدار سپهبد رزم‌آرا و جانب‌داری سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس شورای ملی، با کلیه لوایح

دولت که برای طرح و تصویب به مجلس داده شد، مخالفت کردند و با ایراد نطق‌های قبل از دستور و ابستروکسیون، امکان تصویب لوایح مهم، مانند لایحه تشکیل انجمن‌های ایالتی را ناممکن ساختند و برنامه دولت را فلج کردند. در مجلس سنا نیز سناتورهای برجسته‌ای چون تقی‌زاده، نجم، متین‌دفتری، باقر کاظمی و حکیمی نسبت به رزم‌آرا و برنامه او بخصوص در مورد قرارداد الحاقی نفت، مخالف بودند.

مصدق نه تنها نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا را به صلاح کشور نمی‌دانست، بلکه صلاحیت سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس را زیر سؤال کشید. او در جلسه دوم مهر ۱۳۲۹ ضمن مخالفت با قرارداد تجاری ایران و شوروی، در مورد سوابق رضا حکمت (سردار فاخر) گفت:

«... در دوره پانزدهم نیز آقای سردار فاخر، با احراز کرسی ریاست مجلس شورای ملی، هیچ وقت خود را موظف ندیدند از آزادی و قانون دفاع کنند. در ایامی که طبقات زیادی از افراد ملت، طبق سنن پارلمانی و دموکراسی، علیه حکومت هژیره با کمال نظم و آزادی و زیر حمایت قرآن کریم، مقابل عمارت مجلس به تظاهرات پرداختند، به دستور آقای رئیس، قوای نظامی با سرنیزه و اسلحه گرم مردم را متفرق و مجروح و مقتول نمودند. با نهایت تأسف باید عرض کنم که فردای آن روز آقای سردار فاخر با کمال صراحت اذعان و اعتراض کردند که زدن و کشتن مردم بی سلاح، به دستور ایشان بوده است.»

مصدق با اشاره به قانون تصفیه کارکنان دولت، که پس از تصویب قانون مزبور به امضای رئیس مجلس وقت (رضا حکمت)، برای اجرا به دولت ابلاغ گردید، اظهار داشت: «پس از آنکه کمیسیون تصفیه آقای حکمت را مشمول بند «ج» دانست، آقای حکمت آن قانون را ظالمانه معرفی کرده؛ سپس افزود:

«... دنیای امروز چگونه تلقی خواهد کرد که قانونی به امضای رئیس مجلس برای اجرا به دولت ابلاغ شود و پس از اینکه شخص ایشان مشمول آن قانون قرار گرفتند، بیایند در پشت این تریبون مجلس و آن قانون را غلط و ظالمانه معرفی کنند. آیا مصلحت مملکت از منفعت اشخاص بزرگتر و عالی‌تر نیست؟ [...] این حقایق را [باید] به شما عرض کنم: بنده چه کاره هستم؟ جناب آقای تقی‌زاده چه کاره هستند؟ جناب آقای شوشتری چه کاره هستند؟ همه ماها را مردم کاملاً از حالمان اطلاع دارند، همه را می‌شناسند، هرکس را به جای خودش می‌شناسند. [...] هیچ چیز غیر از انتقاد مردم را به راه راست هدایت نمی‌کند؛ اگر یک کسی کار غلط کرد، و مورد انتقاد قرار گرفت، ضروری نمی‌بیند که از خط خودش متحرف شود. در جامعه‌ای که واقعاً

رشد ملی داشته باشد، در جامعه‌ای که بتواند نیک را از بد تشخیص بدهد، باید مورد انتقاد واقع شود، باید نسبت به عملیات او انتقاد بکنند تا او متوجه بشود و امثال او دقت بکنند و آن کار را نکنند، والا، اگر شما آمده گفتید نسبت به رییس مجلس هیچ کس حق انتقاد ندارد، آنوقت جناب آقای امامی اهری خواهند فرمود بپله دیگر، بپله چقدر را...^(۱)

مخالفات‌های فزاینده فراکسیون وطن در مجلس و تبلیغات کوبنده مطبوعات وابسته به جبهه، که در رأس آنها باختر امروز و شاهد بودند، همراه با تردید، سردرگمی و بی‌تصمیمی رزم‌آرا، همچنین روابط نابسامان او با محمدرضا شاه، که از او می‌ترسید و در عین حال ناگزیر به ستایش او بود، موجب گردید از تعداد طرفدارانش در مجلس کاسته شود و وجهه و اعتباری که روی آن حساب کرده بود از دست برود. از لحاظ مالی کمک‌های مالی آمریکا به ایران در گرو حلّ مسأله نفت معوق مانده بود. در چنین شرایطی، رزم‌آرا بیش از هر چیز به حمایت انگلیسی‌ها چشم امید داشت، ولی مشکلات مالی فزاینده و در عین حال لاینحل ماندن لایحه قرارداد الحاقی به علت انعطاف‌ناپذیری شرکت نفت در موافقت با خواسته‌های ایران، موقعیت دولت او را سخت آسیب‌پذیر کرده بود.

بدین‌سان دکتر مصدق و نمایندگان جبهه ملی در مجلس، در نخستین دور بیکار، کوشش‌های سپهبد رزم‌آرا را برای تحکیم قدرت عقیم ساختند و با تقویت مواضع خود در میان مردم، برای دوره دوم مبارزه، برسر ردّ لایحه قرارداد الحاقی آماده شدند.

فصل نهم

گشمتش بر سر قرارداد دگس - گلشایان

بخش یکم - مذاکرات محرمانه لندن - واشینگتن

لایحه قرارداد الحاقی مهمترین مسأله‌ای بود که در برابر رزم‌آرا قرار داشت؛ زیرا او پشتیبانی انگلیسی‌ها را برای نخست‌وزیری منوط به کوشش برای به تصویب رساندن هرچه زودتر قرارداد مزبور در مجلس به دست آورده بود. اما انجام این کار مشروط به تغییراتی در برخی از مواد لایحه به شرح زیر بود:

(۱) تنظیم و اجرای یک برنامه آموزشی ده‌ساله، که طی آن ایرانی‌ها بتوانند با کسب آمادگی فنی و تکنیکی، صنعت نفت را اداره کنند.

(۲) حق رسیدگی به دفاتر و محاسبات شرکت نفت ایران و انگلیس به منظور تعیین میزان صادرات و سهمیه ایران از منافع شرکت.

(۳) قیمت نفت برای مصارف داخلی ایران، برابر با کمترین قیمتی باشد که به دیگر خریداران فروخته می‌شود. همچنین دستیابی به اطلاعات کامل درباره دریافت کنندگان نفت صادراتی ایران.

(۴) وجوه مربوط به افزایش درآمد ایران در موافقت‌نامه جدید، به طور پیش پرداخت اقساطی هم‌زمان با اجرای برنامه هفت‌ساله کشور به ایران تحویل گردد.^(۱)

انگلیسی‌ها در جریان مذاکرات خود با رزم‌آرا حاضر به تغییری در مواد قرارداد الحاقی نبودند.^(۲) در ماه اوت ۱۹۵۰ بوین به ویلیام داگلاس، سفیر آمریکا در

1. Ambassador George Mc Ghee; Envoy to Middle World, Adventures in Diplomacy, Harper and Row, New York, 1983, pp. 318 - 340.

(بخشی از این کتاب زیر عنوان: سه گزارش بوسیله مؤلف، ترجمه در سال ۱۳۶۹ از سوی شرکت سهامی انتشار منتشر گردید)

۲. برای آگاهی از متن قرارداد الحاقی، رجوع کنید به: الوول ساقن. نفت ایران، ترجمه دکتر رضا ریس طوسی، صفحات ۴۵۲ - ۴۵۵.

لندن، گفت:

«ما پیشنهاد خوبی به ایران کرده بودیم و من احساس کردم باید آنرا بچسبیم. ایرانیان باید تصمیمشان را بگیرند و بگویند آیا می‌خواهند با ما معامله کنند یا نه. باید بین ما و آمریکا وحدت نظر وجود داشته باشد وگرنه دولت ایران سعی خواهد کرد ما را به جان یکدیگر بیندازد.»^(۱)

این نظریه بوین، وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس، با نظر آمریکایی‌ها همسو نبود. وزارت خارجه آمریکا، به هشدار دادن به انگلیسی‌ها پیرامون بحران ایران ادامه داد. مک‌گی، معاون وزارت خارجه آمریکا اصرار داشت برای جلوگیری از «ملی شدن» نفت باید به ایران امتیاز بیشتری داد. وی در مذاکراتش با شپرد، سفیر بریتانیا در تهران، گفت: «کمپانی نفت انگلیس در برابر ایران سرسختی زیادی به خرج داده و در تشخیص و شناسایی اوضاع تازه ایران که مستلزم مذاکرات جدیدی بود، بسیار کند عمل کرده است.»^(۲)

کمیسیون مخصوص نفت:

از میان هجده تن اعضای منتخب کمیسیون، پنج تن نمایندگان جبهه ملی (فراکسیون وطن) در مورد رسیدگی به لایحه قرارداد الحاقی، برنامه و هدف داشتند. دکتر مصدق و یاران او، ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران را هدف اصلی ملت ایران در استیفای حقوق خود می‌دانستند و کوشش در رد لایحه قرارداد الحاقی را، که کمیسیون نفت مأمور بررسی آن بود، به منزله گام اساسی به سوی «ملی شدن» تشخیص داده بودند.

سیزده تن دیگر اعضای کمیسیون، برخی هدف و برنامه مشخصی نداشتند، ولی چند تن از دولت رزم‌آرا پشتیبانی می‌کردند و هواخواه تصویب قرارداد الحاقی و کنار آمدن با شرکت نفت بودند. جمال امامی، در رأس این گروه بود. رزم‌آرا در مطرح ساختن لایحه قرارداد در مجلس دست به دست می‌کرد. وی پیشنهادهایی در مورد ایرانی کردن کارمندان شرکت، انتشار محاسبات، تحویل نفت

۱. تلگرام بوین به فرانکز (سفیر بریتانیا در واشینگتن) ۱۲ اوت ۱۹۵۰، Fo 371/82375.

2. GB/ PRO, Fo 371/91524. Confidential EP 1531/ 116. From Tehran to Foreign Office, No. 203, March 18, 1951.

و بنزین با بهای کمتری برای مصرف داخلی ارائه داد. در ماه اوت از شرکت نفت درخواست کرد هر مبلغی را که بابت قرارداد الحاقی بدهکار است، بپردازد، زیرا در نظر ندارد قرارداد را تا شش ماه دیگر در مجلس مطرح کند. به گفته شپرد، رزم آرا ماههای اول زمامداریش را با اقداماتی که قاطعانه نبود، تلف کرد.^(۱)

گریدی، سفیر آمریکا از سیاست سرسختانه شرکت در خودداری از پذیرش پیشنهادهای رزم آرا ابراز نگرانی می کرد. وی به وزارت خارجه آمریکا پیشنهاد کرد، تا حل مسأله نفت، اعتباری از طرف دولت ایالات متحد آمریکا، معادل ۵۰ میلیون دلار به صورت وام و بلاعوض در اختیار ایران گذاشته شود.

انگلیسی ها اصرار داشتند که پرداخت کمک به ایران موکول به تصویب قرارداد الحاقی در مجلس گردد.^(۲)

مصدق با استفاده از سیاست دفع الوقت رزم آرا در مورد لایحه قرارداد الحاقی، کوشش می کرد ضمن روشن ساختن اعضای کمیسیون از مضار لایحه، دولت را وادار سازد نظر خود را در مورد آن ابراز کند. وی در جلسه چهارم کمیسیون نفت گفت: «... این لایحه به این صورت که الان هست، روی منافع ایران نیست. از هر کس بپرسید می داند. [...] باید کمیسیون کاری بکند که هم وظیفه اش را انجام دهد و هم بدنام نشود. دولت باید صریحاً بگوید عقیده من روی این لایحه چیست. حالا دولت از این شاخ به آن شاخ می رود، یعنی می خواهد بگوید من کاری به این کار ندارم و کمیسیون مسؤول این کار است. کمیسیون باید باکی مذاکره کند؟ آیا کمیسیون حق دارد با شرکت نفت مذاکره کند؟...»

مصدق اعضای کمیسیون را قانع کرد که کمیسیون حق ندارد درباره لایحه قرارداد الحاقی پیشنهاد ارائه کند. وی همچنان تأکید داشت که دولت باید نظر خود را درباره لایحه به اطلاع کمیسیون برساند، ولی رزم آرا همچنان از اظهار نظر درباره لایحه خودداری می کرد. سرانجام کمیسیون طی نامه ای که در جلسه روز ۴ مهر مجلس شورای ملی قرائت شد، از دولت خواست ظرف سه روز پرونده های مربوط به نفت را به کمیسیون ارسال دارد و نیز دولت تا ده روز دیگر نظریه خود را درباره لایحه تقدیمی به کمیسیون اطلاع دهد. در این نامه گفته شده بود چنانچه پس از

۱. گزارش شپرد به وزارت خارجه بریتانیا، ۱۸ سپتامبر ۱۹۵۰، Fo 371/82342.

۲. اسناد وزارت خارجه آمریکا، جلد پنجم، سال ۱۹۵۰، یادداشت رانتری به مک گی، ۲۰ دسامبر ۱۹۵۰.

گذشتن تاریخ تعیین شده، پرونده‌ها و نظریات دولت به کمیسیون نرسید، اعضای کمیسیون دولت را استیضاح خواهند کرد.^(۱)

وزارت دارایی چند روز بعد پرونده‌ها را به کمیسیون فرستاد، ولی چون دولت از اظهار نظر درباره لایحه خودداری کرده بود، نمایندگان جبهه ملی و دو تن از اعضای کمیسیون در جلسه ۱۱ مهر ۱۳۲۹ دولت را به خاطر تعلل در اجرای قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ در استیفای حقوق ملت ایران راجع به نفت جنوب استیضاح کردند.^(۲)

مصدق نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «جبهه ملی، قرارداد داریسی و قرارداد سال ۱۹۳۳، همچنین قرارداد الحاقی را نمی‌تواند به رسمیت بشناسد و این نوع اوراق بی‌ارزش نخواهد توانست وسیله غصب حقوق مردم ایران باشد.»^(۳)

۱. مذاکرات جلسه ۴ مهر ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی، نطق‌های دکتر مصدق در مجلس، جلد اول، دفتر دوم، صفحات ۴۹ - ۵۰.

۲. استیضاح‌کنندگان عبارت بودند از: دکتر مصدق - جابری‌زاده - حسین مکی - اللهیار صالح - دکتر محمدعلی هدایتی - دکتر حسن علوی.

۳. باختر امروز، مورخ ۱۳ مهر ۱۳۲۹.

بخش دوم — استیضاح دولت رزم آرا

روز ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۹ استیضاح از دولت در مجلس شورای ملی مطرح گردید. روز قبل سپهبد رزم آرا برای منتفی ساختن استیضاح، طی بیاناتی در مجلس سنا، آمادگی دولت را برای دفاع از لایحه قرارداد الحاقی اعلام کرده بود. دکتر حسن علوی، یکی از استیضاح کنندگان با استناد به بیانات نخست وزیر در سنا، استیضاح خود را پس گرفت. نمایندگان جبهه ملی طی بیاناتی که چهار روز طول کشید، درباره مضار لایحه قرارداد الحاقی و بی اعتبار بودن قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) از جنبه های سیاسی، اجتماعی و فنی صحبت کردند.

اللهیار صالح طی نطق مشروحی مداخلات شرکت نفت را در امور مملکت بر شمرد و گفت:

«... در دنیا دو عامل قوی سرتوشت ممالک عقب افتاده را تعیین می کند، این دو عامل یکی پول است و دیگری زور. شرکت نفت انگلیس و ایران که هر دو عامل را در اختیار دارد، در شئون اجتماعی کشور رخنه کرده و مانع رشد اجتماعی ملت ایران شده است...»

حاجبری زاده نیز در سخنانش، انگلستان و شرکت نفت را، دولتی در داخل دولت ایران توصیف کرد و گفت:

«دولت انگلیس در لباس کمپانی نفت در داخل ایران یک دولت قوی، در شکم دولت ضعیف ایران تأسیس کرده و مروج قدرت های نامشروع شده و به استقلال اقتصادی و سیاسی ایران لطمه وارد ساخته است...»

حسین مکی خلاف کاری های شرکت نفت را تشریح کرد و نتیجه گرفت که:
«... شرکت نفت برای دولت [ایران] حق کنترل واقعی عملیات فنی و محاسباتی خود را قائل نیست و در محروم نمودن ایرانیان از تصدی مشاغل فنی و مهم، تعمد دارد.»

[...] معافیت‌های گمرکی که شرکت از آن استفاده کرده، به میزانی است که با یک حساب ساده معلوم می‌شود که شرکت اگر نقت را بلاعوض می‌برد، ولی حقوق گمرکی را روی وارداتش می‌پردازد، مجبور بود سالی شصت میلیون لیره که برابر چند برابر حق الامتیاز است، به دولت ایران بپردازد...»

دکتر مصدق در بیانات مشروحی از زبان‌های ناشی از وجود رژیم دیکتاتوری، چگونگی تبدیل قرارداد داری به قرارداد ۱۹۳۳ در دوران رژیم استبدادی رضاشاه و نیز خساراتی که از جنبه‌های مادی، معنوی و اخلاقی به کشور و مردم ایران وارد شده، سخن گفت. وی خطاب به سپهبد رزم‌آرا که در جلسه حضور داشت، گفت: «از آقای سپهبد رزم‌آرا یک سوالی می‌خواستم بکنم و آن این بود که اگر شما با قرارداد ساعد - گس موافق بودید، چرا به مجلس آمدید و روز استیضاح معین کردید؟ چرا وقت مجلس و وقت ما را خراب کردید؟ همان روزی که شما را استیضاح کردند، می‌بایست بگویید که من با این قرارداد موافقم چون استیضاح برای این بود که شما قانون ۱۳۲۶ را در خصوص استیفای حقوق ایران اجرا کرده‌اید. ولی وقتی شما با قرارداد موافق باشید، قهراً عقیده دارید که از این قرارداد ضرری به هیچ وجه برای ملت ایران نیست و ملت ایران ضرری ندارد که شما بخواهید حقوق ملت را استیفا کنید. اگر شما جواب این سوال بنده را نفرمایید، کار من را یک قدری سبک‌تر می‌کنید...»

آنگاه مصدق خاطره نخست‌وزیر شدن مستوفی‌الممالک را در آغاز سلطنت رضاشاه عنوان کرد و نتیجه گرفت که در نظام استبدادی، وزرا و وکلانمی‌توانند به بهانه نبودن آزادی دستورات دولت را اجرا کنند و به مملکت خیانت نمایند:

«وقتی مرحوم مستوفی‌الممالک می‌خواست رئیس‌الوزرا بشود، به منزل من آمد و هر قدر اصرار کرد وزارت خارجه را قبول کنم، نپذیرفتم. ایشان وارد کار شدند و پس از مدتی که اخلاقتان با دیکتاتوری نگرفت، از کار کناره‌گیری نمودند. چون که نظر شاه فقید این نبود که با مستوفی‌الممالک و امثال او همکاری کند، بلکه مقصودش این بود که به جامعه بفهماند، من آن کسی هستم که مستوفی‌الممالک و امثال او به من تعظیم می‌کنند.»

«مرحوم مستوفی‌الممالک قبول کار نمود و طولی نکشید که استعفا کرد و من که در سعدآباد، باغ خانم همدم‌السلطنه خواهرشان رفتم، می‌دانید به من چه گفت؟ فرمود به حاج مخبرالسلطنه [رئیس‌الوزرای بعد] گفتم: «من، تا چانه‌ام به گل فرو رفت، شما مواظب باشید تا فرقتان در لجن فرو نرود...»

خوب به خاطر دارم که در دوره پنجم و ششم تقنینیه، هر وقت که دولت

لایحه‌ای پیشنهاد می‌کرد و نمایندگان نمی‌خواستند به آن رأی بدهند، به موقع طرح آن، سر تیپ محمدخان درگاهی رییس نظمییه در مجلس حاضر، و حضور او سبب می‌شد که نمایندگان بدون شور و بحث زیاد، لایحه را تصویب کنند. [...] با این حال وزرا و وکلا نمی‌توانند به عنوان نبودن آزادی خود را تبرئه کنند، چون که آنها مجبور نبودند کار قبول کنند تا اینکه نسبت به مملکت خیانت کنند. [...] بنده عرض نمی‌کنم که تقی‌زاده و امثال او می‌توانستند در مقابل شاهنشاه مقتدری مثل اعلیحضرت رضاشاه، مقاومت کنند، ولی می‌خواهم فقط این را عرض کنم که تقی‌زاده و امثال او اگر دارای اصل ثابتی بودند باید از قبول کار، آنهم کار مؤثری مثل وزارت دارایی که در آنوقت می‌بایست قرارداد نفت بگذرد، خودداری کنند...»

«... تنفیذ قرارداد دوره دیکتاتوری سبب خواهد شد که ملت ایران تا سال ۱۹۹۳ میلادی، یعنی ۴۳ سال دیگر در تحت مقررات ظالمانه آن قرارداد قرار بگیرد و از منافع هنگفت معادن تحت‌الارضی خود محروم شود. این قرارداد باطل است. برای اینکه طرفین هر قرارداد باید اصل صلاحیت انعقاد آنرا داشته و بعد هم آزاد باشد و در امضاء و تصویب آن اجباری نداشته باشد و شما خوب می‌دانید که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان دوره دیکتاتوری، نمایندگان حقیقی ملت نبوده و وزرا هم برای انجام وظایف خود، آزادی عمل نداشتند.»

آقای تقی‌زاده وزیر دارایی و امضاکننده آن قرارداد در مجلس پانزدهم اینطور اظهار کرده‌اند:

«من شخصاً راضی به تمدید مدت [قرارداد] نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار، یا اشتباهی بوده، تقصیر آلت فعل نبوده، بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد...»

چه بسا از اموری که در مجالس دوره دیکتاتوری تصویب شده، چون به نفع مملکت بوده، ملت ایران با آن مخالفت نکرده است، ولی نسبت به این قرارداد، که همه می‌دانند یکی از علل تشکیل دیکتاتوری و سلب آزادی از مردم و مجلس شورای ملی، برای تنظیم و تصویب آن قرارداد بوده، البته ملت ایران با آن مخالف است و شرکت نفت هم از تنظیم و امضای قرارداد ساعد - گس، مخصوصاً درج ماده دهم آن^(۱) مقصودی نداشته جز اینکه مجلس شورای ملی قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را تلویحاً تصویب و ملت ایران را اغفال کند. (صحیح است.)»

مصدق با استناد به بیلان شرکت نفت در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷ خورشیدی) اظهار داشت که از مجموع ۷۹ میلیون عایدات شرکت، ۲۸ میلیون لیره بابت مالیات

۱. ماده دهم قرارداد ساعد - گس (قرارداد الحاقی) بدین شرح بود: ماده ۱۰ - یا رعایت مقررات این قرارداد، قرارداد اصلی [۱۹۳۳] در کمال قوت و اعتبار باقی خواهد ماند.

بردرآمد نصیب دولت انگلیس شده، در صورتی که حق الامتیاز ایران ۱۰ میلیون لیره بوده است. آنگاه از نمایندگان مجلس درخواست کرد با تعقیب سیاست موازنه منفی، موجبات استیفای حقوق مردم ایران را فراهم سازند و بدین منظور دست رد به سینه نامحرم بزنند و به تسلیم وطن خود تن در ندهند:

«... صلح بین المللی اقتضا می کند که ما سیاست موازنه منفی را تعقیب کنیم و دولت انگلیس هم از حمایت کمپانی دست بکشد تا ایران بتواند معادن خود را استخراج کند و یا با هر دولتی که احتیاج به نفت ایران دارد، معامله کند. [...] از مذاکرات آقای رزم آرا در مجلس سنا، این طور برمی آید که او را برای اجرای قرارداد ساعد - گس آورده اند. امیدوارم که نمایندگان حساس و وطن پرست، به سینه این نامحرم دست رد بزنند و با دادن یک ورقه کبود ثابت کنند که ایرانی به تسلیم وطن خود، تن در نمی دهد. در هر کجا، افران برای دفاع از حقوق مملکت جنگ می کنند و کشته می شوند، ولی در این مملکت سپهبد می خواهد دست و کلا را ببندد و تسلیم شرکت کند. ای مرگ بر آن کسانی که به جای خدمت، خیانت به وطن را پیشه خود قرار می دهند...»

پاسخ سپهبد رزم آرا به گفته های استیضاح کنندگان، سست و بی پایه بود؛ وی ضمن رد و تکذیب مداخلات بریتانیا و شرکت نفت گفت:

«... مداخله و نظر هیچ خارجی، یا هیچ قدرتی ممکن نیست کوچکترین تأثیری را [در تصمیمات دولت] داشته باشد»

رزم آرا از تشکیل مجلس مؤسسان و اختیارات شاه دفاع کرد و گفت:

«مجلس مؤسسان طبق قانون و مقررات کشور، از خود شخصیت های برجسته شما نمایندگان تشکیل گردید و طرز تشکیل مجلس مؤسسان شاید بی سروصداترین و با نظم ترین عمل دولت های وقت بوده است. [...] موضوع «وتو» چیست؟ شما اگر به اختیارات شاهنشاه ایران و سایر سلاطین فعلی جهان توجه کنید خواهد دید اصولاً حدود اختیار ایشان نسبت به سایر پادشاهان بسیار ناچیز است...»

نخست وزیر در پایان موافقت خود را با طرح لایحه قرارداد الحاقی ابراز داشت و افزود:

«اگر توجهی به جریان امر فرمایید بخوبی درک خواهند نمود که وقتی دولتی پرونده امر را تسلیم و نمایندگی خود را معرفی کرده، قطعاً موافق بوده، چه اگر موافق با لایحه نبوده، نه پرونده تسلیم و نه نمایندگی معرفی می شد.»

الهیاری صالح نیز در پاسخ به سخنان رزم آرا، خاطرنشان ساخت که نخست وزیر

صلاحیت «نصیحت کردن» به نمایندگان مجلس را ندارد... حسین مکی ضمن رد ادعای نخست وزیر مبنی بر اعزام نماینده به کمیسیون نفت، در پاسخ به اظهارات وی در مورد مجلس مؤسسان گفت:

«دنیای دیگر زیر بار این مطلب نمی رود و صرف نظر از تمام اختلافات مسلکی و مرامی، با تمام دستجات همکاری خواهیم کرد و زیر بار «حق و تو» نمی رویم...»

مصدق در زمینه لزوم اقلیت در مجلس برای انتقاد از دولت، از بیانات رزم آرا در مجلس سنا در موافقت با طرح لایحه الحاقی انتقاد کرد و آنرا بدون مطالعه دانست. وی مجلس مؤسسان را مجلسی «قلابی» و غیرقانونی و مصوبات آنرا بی اعتبار شمرد گفت:

«... شما را به وجدانتان قسم می دهم (اشاره به نخست وزیر) شما آن مجلس مؤسسان را نماینده حقیقی مردم ایران می دانید؟ بگویید، بگویید. اگر یک نظامی این قدر جرأت نداشته باشد که یک سؤال را جواب بدهد. آنوقت این مملکت حق ترقی و بقا ندارد (نخست وزیر: همه همین آقایان بودند که اینجا نشسته اند) بنده از شخص شما می پرسم که شما مجلس مؤسسان را نماینده حقیقی ملت ایران می دانید؟ مجلس مؤسسان، به تمام معنی قلابی بود، که اگر می خواستند یک مجلس قلابی درست کنند از این بهتر نمی شد. (مکی - آقا، خیمه شب بازی بود) (آشتیانی زاده - بنده خودم شاهد زنده دارم اینجا عرض خواهم کرد)...»

شاه می خواهد از ملت ایران «حق و تو» بگیرد. شاه می خواهد وقتی یک قانونی از مجلس گذشت بفرمایند من یا این قانون مخالفم و یا حق و تو باید تجدیدنظر شود. البته اینجا طلبکار شاه است و مدیون ملت ایران است، وقتی که شاه در موعد خودش حقش را مطالبه نکرد، به موجب این قانون حقش ساقط است. به این جهت خواهش می کنم به هیچ وجه دنبال مجلس مؤسسان نروید و این کار را که به هیچ وجه در صلاح شخص شاهنشاه نیست، اقدام نکنید. [...] به عقیده من، مجلس مؤسسان و این حق و تو، یک اصلی است که برای شخص شاه ضررش از هرکس بیشتر است...»

در پایان مذاکرات، اکثریت مجلس به استیضاح نمایندگان جبهه ملی، رأی سکوت دادند.^(۱)

۱. مذاکرات مجلس، مورخ ۲۷ مهر ۱۳۲۹، جلد ۷۳ (نقل از نطق های دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی)، صفحات ۵۰ - ۶۶.

بخش سوم - طرح ملی شدن صنعت نفت

با اعلام طرفداری نخست‌وزیر از طرح لایحه قرارداد الحاقی در مجلس، پیکار بر سر «ملی شدن» شکل گرفت. نمایندگان جبهه ملی در کمیسیون نفت و نیز در مطبوعات مضار لایحه قرارداد الحاقی را تشریح کردند و آنرا به زیان منافع ایران و به منظور قانونی کردن قرارداد سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ میلادی) دانستند. در جلسه پانزدهم کمیسیون نفت سپهبد رزم‌آرا و چندتن از وزیران به منظور دفاع از لایحه قرارداد الحاقی حضور یافتند. جمال امامی با عنوان این مطلب که لغو قرارداد ۱۹۳۳ به صلاح نیست، خواستار شد که دولت با شرکت نفت مذاکره کند و قرارداد منصفانه‌تری به مجلس پیشنهاد نماید. رزم‌آرا در پاسخ سؤالات اعضای کمیسیون نفت درباره اقدامات بعدی دولت گفت: چون یکی از مسائل مهم و مورد توجه دولت او حل مسأله نفت است، لذا مذاکرات با شرکت نفت را دنبال خواهد کرد. دولت در پاسخ به فشارهای دو جاتبه از سوی کمیسیون مجلس و شرکت نفت، مذاکره درباره لایحه قرارداد الحاقی را دنبال کرد و غلامحسین فروهر، وزیر دارایی، دفاع از آنرا به عهده گرفت.

روز اول آذر ۱۳۲۹ رزم‌آرا و فروهر، با حضور در جلسه کمیسیون نفت از لایحه قرارداد الحاقی دفاع کردند. در جلسه بیست و دوم کمیسیون نفت (۴ آذر) پاسخ دکتر مصدق به نامه غلامحسین فروهر که به طور مشروح از لایحه الحاقی دفاع کرده بود، قرائت شد. رهبر جبهه ملی ضمن رد نظریات و دلایل وزیر دارایی، طرح «ملی کردن» صنعت نفت را در سراسر کشور پیشنهاد کرد. مصدق در این طرح به جنبه سیاسی و اخلاقی نفت، بیش از جنبه اقتصادی آن اهمیت داده و گفته بود: بر فرض که ملت ایران نتواند به مقدار زیاد نفت استخراج کند، خواهد توانست با تولید کمتری به میزان مایحتاج خود از نفت استفاده نماید و ذخایر خود را برای

استفاده نسل آینده حفظ کند. وی در توجیه این پیشنهاد اظهار داشت:

«... از حسن اداره کمپانی، ملت ایران تاکنون بهره نبرده و عایدات نفت ما، صرفاً در راهی خرج شده که نفع آن عاید بیگانگان گردیده یا اشخاصی از آن استفاده برده‌اند که دست نشانده کمپانی و دشمن ایران بوده‌اند. چنانچه صنعت نفت ملی شود شرکتی وجود نخواهد داشت که برای پیشرفت کار خود در امور داخلی ایران اعمال نفوذ کند و اشخاص فاسد را قائم مقام اشخاص صالح و وطن پرست نماید. سطح اخلاقی امروز ما، با سطح اخلاقی سال ۱۹۳۳ بسیار فرق کرده و کار تدنی اخلاق در جامعه به جایی رسیده که باعث ننگ هر ایرانی شده است...»

در پایان نامه دکتر مصدق، پیشنهاد جبهه ملی به شرح زیر خوانده شد:

«... به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان زیر پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت در مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود، یعنی عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست ملت ایران قرار گیرد.»

حایری زاده - اللهیار صالح - دکتر شایگان - دکتر محمد مصدق - حسین مکی^(۱)

کمیسیون نفت طرح ملی شدن را نپذیرفت ولی در جلسه ۶ آذر، پس از یک ساعت و نیم گفتگو، پیشنهاد رد لایحه قرارداد الحاقی را به اتفاق آرا به شرح زیر تصویب کرد:

«کمیسیون نفت که طبق تصمیم سی‌ام خرداد مجلس شورای ملی تشکیل شده بود، پس از مذاکرات و مطالعات به این نتیجه رسید که قرارداد الحاقی مساعد - گس، کافی برای استیفای حقوق ایران نیست، لذا مخالفت خود را با آن اظهار می‌دارد.»

تظاهرات به طرفداری از ملی شدن

انتشار خبر رد لایحه قرارداد الحاقی در کمیسیون نفت؛ همچنین تصویب نشدن پیشنهاد «ملی شدن صنعت نفت» موجب برپایی تظاهرات وسیعی علیه شرکت نفت و دولت رزم آرا و نیز پشتیبانی از طرح ملی شدن جبهه ملی در سراسر کشور گردید. مطبوعات تهران و شهرستان‌ها، تلاش‌های جبهه ملی و نمایندگان را که از طرح ملی شدن در کمیسیون نفت طرفداری می‌کردند، ستودند. در همین اوان روزنامه‌های ملی، اسناد محرمانه شرکت نفت و متن نامه‌های سرّی بین دولت و

شرکت نفت را در رابطه با قرارداد الحاقی منتشر کردند^(۱) و دولت را به اتهام همکاری با شرکت نفت، علیه منافع ایران به باد انتقاد و حمله گرفتند. روزنامه‌های باختر امروز و شاهد، رزم‌آرا را به عنوان «عامل شرکت نفت» مورد نکوهش و حمله قرار دادند. دولت نیز با واکنش خود در توقیف جراید و بازداشت دکتر حسین فاطمی مدیر باختر امروز، خشم مردم را برانگیخت و صفوف آنها را در مبارزه برای استیفای حقوقشان فشرده‌تر ساخت.

نمایندگان اقلیت در مجلس شورای ملی دولت را به سبب اعمال فشار به مطبوعات و جلوگیری از انتشار روزنامه‌های مخالف و سلب آزادی‌های افراد و حتی نمایندگان مجلس مورد انتقاد و حمله قرار دادند. دکتر مصدق در نطقی که در مجلس ایراد کرد، دولت رزم‌آرا را از روشی که برای خاموش کردن صدای مردم از طریق جلوگیری از انتشار مطبوعات و سلب آزادی افراد در پیش گرفته است، برحذر داشت:

«... وقتی انتخاب کمیسیون نفت به عمل آمد، پنج نفر از اعضای جبهه ملی به سمت عضویت در کمیسیون انتخاب گردیدند و چون آن طوری که مقصود کمپانی بود نخواهند عمل کنند و بالطبع نمایندگان دیگر هم با نمایندگان جبهه ملی در رد قرارداد الحاقی همصدا شدند، لذا شرکت نفت نگران است که اگر مجلس شانزدهم و این کمیسیون به همین طور باقی بمانند، قهراً نمایندگان جبهه ملی در ملی نمودن صنایع نفت موفق می‌شوند. این است که در این دو سه روز، زمزمه انحلال مجلس شتیده می‌شود...»

در روزهای اخیر، که نمی‌دانم شهربانی یا شرکت نفت که در این دولت دولتی تشکیل داده است، دو نفر مأمور، در خانه من گذاشته که تا روز قبل هم به وظیفه خود عمل می‌کردند و مأموریت داشتند اسم هر کس را به خانه می‌آید بنویسند و شماره هر اتومبیلی را که در جلو خانه من توقف می‌کرد، بردارند...

شرکت نفت به این کار قناعت نکرد و اکنون دو روز است که چون روزنامه شاهد اعلان کرده است بعضی از مراسلات سفارت انگلیس را که بر خلاف مقررات حقوق بین‌المللی به دولت نوشته است، منتشر کند، از انتشار روزنامه شاهد به وسیله مأمورین شهربانی جلوگیری می‌کند، بطوریکه روز قبل بعضی از نمایندگان جبهه ملی در مجلس، مثل آقایان مکی و حایری‌زاده و دکتر بقایی خودشان حاضر شدند که روزنامه را در شهر توزیع کنند. من به صدای بلند می‌گویم: چنانچه باز شهربانی بخواهد مانع انتشار روزنامه مزبور بشود، به نمایندگان جبهه ملی دستور می‌دهم همگی عین موزعین روزنامه شاهد شوند...»

آنگاه مصدق مداخله دولت انگلیس در امور کمپانی نفت و امتیازی را که به یکی از اتباع بریتانیا داده شده است، مغایر با اصول سیاست بین‌المللی دانست و خاطرنشان ساخت که ملی شدن صنعت نفت به صلاح ملت ایران و آینده ایران است:

«... بعد از ملاحظه پرونده‌های نفت در کمیسیون و دخالت‌های دولت انگلیس در این کار، جبهه ملی تصمیم گرفت، ملی بودن صنعت نفت را اعلام کند و خدا را در این عقیده به شهادت می‌طلبیم که تا صنعت نفت ملی نشود، ملت ایران، هیچ وقت روی خوشی و آسایش نخواهد دید و فساد اخلاق در این مملکت به درجه‌ای خواهد رسید که پسر پدر را، و پدر پسر خود را در نفع شرکت مقتول کند...»^(۱)

شعار «ملی شدن» صنعت نفت و طرح آن در کمیسیون نفت، به آسانی صورت نگرفت. گذشته از دولت رزم‌آرا و هواخواهان تصویب لایحه الحاقی و عوامل طرفدار بریتانیا، حزب توده نیز که هنوز هم قدرت سیاسی نیرومندی بود، در سر راه ملی شدن قرار داشت. حزب توده نخست شعار لغو قرارداد ۱۹۲۳ را پیش کشید و ضرورت آنرا به عنوان عامل ایجاد حاکمیت ایران خواستار شد. سپس رهبری حزب توده ادعا کرد که همه اقداماتی که تحت عنوان استیفای حقوق ملت ایران و مبارزه با شرکت نفت انجام می‌شود، ستارویی است که به وسیله شرکت نفت و ایادی آن ساخته و آماده شده است. روزنامه به سوی آینده نوشت:

«... مسلماً قسمت اعظم وقایعی که این روزها پیرامون نفت می‌گذرد، به وسیله شرکت نفت و ایادی آن تنظیم و اداره می‌شود...»^(۲)

پس از رد لایحه قرارداد الحاقی در مجلس شورای ملی، رهبران حزب توده ناگزیر به قبول این واقعیت شدند که رهبری مبارزه برای استیفای حقوق ایران را جبهه ملی به عهده گرفته است. از این پس مصدق و دیگر رهبران جبهه را به یاد حمله و ناسزاگویی گرفتند، روزنامه به سوی آینده نوشت:

«... قرارداد الحاقی را ملت ایران رد کرد، نه جبهه مفتضح ملی. [...] اکنون که قرارداد

۱. مذاکرات مجلس، ۱۲ آذر ۱۳۲۹، همانجا، صفحات ۶۹ - ۷۴.

۲. به سوی آینده، مورخ ۲۶ آبان ۱۳۲۹.

الحاقی گلشایان - گس بر اثر افکار عمومی و مبارزه شدید ملت ایران رد گردیده است، روزنامه‌های جبهه ملی، مخصوصاً نامه معلوم الحال شاهد، ارگان دکتر بقایی و روزنامه داریا، شروع به یک سلسله تبلیغات درباره نقش خود در این باره نموده‌اند. [...] ملت ایران بخوبی می‌داند که آنها چه نقش پستی برای ارضای مطامع استعمار خارجی به عهده دارند. [...] مردم هیچ وقت فراموش نمی‌کنند که پیشوای این جبهه، پیرمرد مکاری که نیم قرن است به اطفال و فریب خلق مشغول است و در عمر دراز خود چه شعبده‌های رنگارنگی به قالب‌بزه است...»^(۱)

بادآوری این نکته نیز ضروری است که اعضای کمیسیون نفت نسبت به پیشنهاد «ملی شدن» نظریات و عقاید متفاوتی داشتند. چندتن در عین حال که مخالف طرح ملی شدن بودند، رد لایحه قرارداد الحاقی را گامی در راه ملی شدن می‌دانستند، در آذر ماه ۱۳۲۹ دوازده تن از اعضای کمیسیون، طرح ملی شدن را امضا کرده بودند، ولی در جلسه بیست و چهارم کمیسیون که نمایندگان جبهه ملی پیشنهاد خود را برای رأی‌گیری مطرح کردند، دوتن از امضاکنندگان طرح، از نظر خود عدول کردند؛ ناصر ذوالفقاری که یکی از امضاکنندگان بود گفت:

«... قانونی که از مجلس گذشته، هیچ‌گونه وظیفه‌ای برای ما معین نکرده که خارج از مواد [لایحه] الحاقی نظر بدهیم. [...] من با آن نامه‌ای که پررروز امضا کردم (طرح ملی شدن) مخالفم و امضایم را پس می‌گیرم.»

جمال امامی نیز، که از طرفداران جدی مذاکره با شرکت نفت بود، گفت:

«... جناب آقای دکتر مصدق فرمودند دولت‌ها می‌روند تامل می‌کنند، بنده معتقدم وقتی ضرب‌الاجل قراردادند، دولت مکلف است عمل نماید. اگر برود دو میلیون را پنج میلیون بگیرد و یک قدم جلو برود، باز ما راضی هستیم. [...] هم بنده و هم شما می‌دانید که ملی کردن نفت به این آسانی نمی‌شود. ما انتظارمان از دولت‌ها این است که هر کدام آمدند، یک قدمی جلو بروند. حالا هم عقیده من این است که کوشش بکنیم آن اتفاق آرا حاصل شود. اگر نشد ما صحبتی نمی‌کنیم. یک ورقه‌ای آقایان امضا کرده‌اند به امضای دوازده نفر (طرح ملی شدن) که اکثریت با دوازده نفر است و اقلیتی هم نیست، ولی البته این مضر است.»^(۲)

سرانجام به پیشنهاد جواد عامری مبنی بر اینکه: ورود در هرگونه پیشنهادی غیر از بررسی و اظهارنظر در لایحه قرارداد الحاقی را از وظیفه کمیسیون خارج

می‌دانست، طرح ملی شدن به تصویب نرسید، ولی راه برای «ملی شدن» هموار شده بود. به هر حال رد لایحه قرارداد الحاقی در کمیسیون نفت، شکست بزرگی برای شرکت نفت، انگلیسی‌ها و رزم‌آرا بود. از آن پس تلاش نمایندگان شرکت نفت و دولت انگلیس با دولت رزم‌آرا و نیز همکاری نمایندگان سیاسی آمریکا، برای جلوگیری از «ملی شدن» شدت یافت. مصدق و نمایندگان جبهه ملی و طرفداران ملی کردن صنعت نفت در مجلس نیز، به رغم دشواری‌های فزاینده، با اتکاء به پشتیبانی مردم ایران، پیکار خود را ادامه دادند و تا نیل به هدفی که خواست و اراده ملت ایران بود، از پای ننشستند.

فصل دهم

ملت به پا خاست!

بخش یکم — پیام نمایندگان جبهه ملی (فراکسیون وطن)

گزارش کمیسیون نفت به مجلس

روز ۱۹ آذر ۱۳۲۹ گزارش کمیسیون نفت بوسیله حسین مکی، مخبر کمیسیون، تسلیم مجلس شورای ملی گردید. در این گزارش ۲۶۰ صفحه‌ای، گزارش کار کمیسیون در بیست و چهار جلسه (از ۵ تیر تا ۸ آذر ۱۳۲۶) به طور مشروح، توضیح داده شده بود؛ رد لایحه قرارداد الحاقی، مهمترین تصمیم کمیسیون بود و به پیشنهاد جبهه ملی درباره ملی شدن صنعت نفت نیز اشاره شده بود.

در خلال بحث و مذاکره پیرامون گزارش کمیسیون در مجلس، نمایندگان جبهه ملی برای توضیح و تفهیم طرح ملی شدن فعالیت خود را دنبال کردند. حسین مکی، اللهیار صالح، دکتر علی شایگان، محمود نریمان، ابوالحسن حایری زاده، دکتر مظفر بقایی و نیز روزنامه نگارانی چون دکتر حسین فاطمی، خلیل ملکی، دکتر حسن ارسنجانی، و عبدالرحمن فرامرزی، با ایراد سخنرانی‌ها و نوشتن مقالات، مردم را به اهمیت مبارزه‌ای که در پیش داشتند، واقف کردند. تظاهرات وسیعی به پشتیبانی از نمایندگان اقلیت و نیز علیه دولت رزم‌آرا و شرکت نفت برپا شد. آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، طی پیامی از طرح ملی کردن نفت پشتیبانی کرد. دانشجویان دانشگاه تهران در صفوف منظم و با شعار «نفت ایران باید ملی شود»، در میدان بهارستان اجتماع کردند. چندتن از مراجع تقلید مانند آیت‌الله محمدتقی خوانساری و گروهی از روحانیون با ارسال پیام مردم را به حمایت از طرح ملی کردن نفت، تشویق نمودند.

دکتر مصدق در پیامی که از بستر بیماری به مجلس فرستاد و در جلسه ۲۶ آذر به وسیله حسین مکی قرائت شد، ملی کردن صنعت نفت را تنها وسیله استیفای

حقوق ملت ایران دانست. وی با تشریح نتایجی که با ملی شدن صنعت نفت نصیب ملت ایران می‌شود، گفت:

«... دولت و ملت از اعمال نفوذهای شرکت و دولت انگلیس مصون خواهند ماند و ملت ایران راه ترقی را بدون هیچ‌گونه اعمال نفوذ و موانع خارجی و در محیط صلح و صفا خواهد پیمود.»

آنگاه مصدق به نام ملت ایران از همه کسانی که در راه روشن ساختن اذهان عمومی نسبت به موضوع حیاتی نفت، با نطق‌ها، خطابه‌ها و نوشته‌های خود اقدام کرده‌اند، تشکر کرد. از احزاب، روزنامه‌های ملی، دانشگاهیان، اصناف و همه کسانی که در راه استیفای حقوق ملت ایران، از جبهه ملی پشتیبانی نموده‌اند، قدردانی نمود و در پایان پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را که یازده تن آنرا امضا کرده بودند، برای امضای دیگر نمایندگان و نیز موافقت با طرح آن در مجلس شورای ملی تسلیم رییس مجلس کرد.

در همان جلسه دکتر شایگان در تأیید بیانات مصدق، شرکت نفت و انگلستان را عامل فساد و تباهی در ارکان اجتماعی دانست و به نمایندگان مجلس توصیه کرد که مردانگی کنند و ملت ایران را از قید و بند استعمار شرکت نفت برهانند. فرازهایی از نطق تاریخی این مبارز نامی نهضت ملی شدن صنعت نفت چنین است:

«... تاریخ انحطاط اخلاقی ملت ایران از زمانی شروع می‌شود که انگلیسی‌ها مسلط شده‌اند بر هندوستان و از آنجا پایشان به خاک ما باز شده است. اینها هزار جور گریه رقصاتی می‌کنند، هزار مشقت ایجاد می‌کنند و هزار خون می‌ریزند برای اینکه منافع خودشان تأمین بشود. [...] اساس کار اینها عبارت از این است که مروج فساد اخلاق باشند. اگر دو نفر نامزد یک کاری باشند که برای آنها یک کاری انجام بدهند، دقت می‌کنند آنکه فاسدتر، آنکه رذل‌تر و آنکه بی‌وجدان‌تر و خائن‌تر باشد انتخاب می‌کنند. [...] در هر مملکتی، پست‌ها، مقام‌ها، حسن شهرتها و کارها مال کسی است که افضل باشد، مال کسی است که به ملت خود بیشتر خدمت کند، در اینجا اینها دقت می‌کنند که هر جا شخصیتی پیدا شد، هر جا وطن‌پرستی پیدا شد، هر جا درستی پیدا شد، این را به هر وسیله‌ای که هست نابود کنند.»

تاریخ ملت ایران در این یکصد و پنجاه ساله، مشحون است از این امثله؛ خائنینی که آنها زیر دستشان را گرفته‌اند و بالا آورده‌اند. [...] بخوانید و ببینید که اینها چه دوز و کلک‌هایی می‌چینند برای اینکه مرد در این مملکت نماند. اینها اسلحه کوچک این شرکت است، چه رسد به اسلحه‌های بزرگ آنکه در نطق و بیان جناب آقای دکتر مصدق به آن اشاره شده است. خوب، اگر از نتیجه این کار نفت، قُز و

جوهر بریزد در دامان ملت ایران، هیچ وطن‌پرستی باید اجازه ندهد که در اینجا بمانند.

اگر دنیا را به ما بدهند، در مقابل این خیانتی که به ملت ایران می‌کنند، به نسل حاضر و آینده می‌کنند، ابدأ قابل مقایسه نیست، چه رسد به اینکه چنان مردمی هستند که همان چندرغاز و همان ثمن بخشی را که به ما می‌دهند، پیشش ایستاده‌اند که در آن مصرفی که آنها خودشان می‌خواهند مصرف بشود. هر کار خلاف قانونی صورت می‌گیرد، می‌بینیم انگشت شرکت نفت است.

ای بریده باد این انگشت! ما همه این را اذعان می‌کنیم، ولی وقتی می‌خواهیم شش را بکنیم می‌لرزیم. از چه می‌لرزیم؟ آقایان! فرض بفرمایید ما اینجا مسکن است یکدفعه دیگر هم وکیل بشویم...

بالاخره پس از پنجاه، شصت، هفتاد سال دیگر یکی از ما وجود نخواهد داشت. ما باید فکر نسل‌های آتی و نسل‌های آینده را بکنیم. [...] آقایان! هنوز حاکمیت ملی موضوع منتفی نشده است؛ هنوز جامعه بین‌المللی به اینجا نرسیده است که بگوید حاکمیت ملی موضوع ندارد. ملت ایران هم حاکمیت ملی دارد و چون حق دارد به تشخیص خودش هر قسم صنعتی را که صلاح بداند ملی اعلام کند. بعون‌الله محیط بین‌الملل هم امروز مساعد است برای اینکه این قدم مردانه را بردارد. این کار را بکنید، اگر نشد، گردن من را بزنید اگر نتوانست ملت ایران این را اداره بکند، گردن من را بزنید...

ملت ایران همیشه خودش را اداره کرده و اداره خواهد کرد. [...] آخرین هرایضم این است که از صمیم قلب می‌گویم؛ آقایان! بایستی توجه کنید که همیشه وکیل نخواهید بود و باز آقایان توجه کنند بر فرض اینکه انشاءالله باز وکیل باشند، هر دفعه ملت ایران با چنین روز عظیمی که شاید نظیر در تاریخ مشروطیت ایران نداشته باشد، مقابله نمی‌شود. مردم نگاه می‌کنند ببینند این اشخاصی که در مجلس شورای ملی به عنوان نماینده نشسته‌اند، اینها آن مردی و مردانگی را دارند که این قید و بند را از پا و دست ملت ایران بردارند یا خیر؟...^(۱)

ملت به پا خاسته بود؛ پیکار بر سر نفت به اوج شدت خود رسیده بود، با رد لایحه قرارداد الحاقی در کمیسیون نفت و گزارش آن به مجلس شورای ملی، جنبش مردم ایران برای ملی کردن نفت اوج گرفت؛ شعار «همه چیز برای ملی شدن نفت» در سراسر کشور تأیید شد. روز ۲۲ آذر دانشجویان طرفدار جبهه ملی، به پیروی از شعار «ملی شدن» تظاهرات وسیع و پرشوری در دانشگاه تهران برپا کردند. دانشجویان توده‌ای نیز زیر شعار «الغای بدون قید و شرط امتیاز نفت جنوب» به

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی، مورخ ۲۸ آذر ۱۳۲۹، جلسه ۹۴ روزنامه رسمی کشور.

میدان آمدند و با دانشجویان طرفدار ملی شدن، به زد و خورد پرداختند.

قشرهای مختلف جامعه، به جبهه ملی، که رهبری پیکار علیه شرکت نفت را به عهده گرفته بود، و رد لایحه الحاقی را با پیروزی به پایان رسانیده بودند، می پیوستند. در همین اوان، با پیشگامی آیت الله محمد تقی خوانساری که از مراجع تقلید بنام و آگاه شیعیان بود، فتوای شرعی به ضرورت ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور از طرف وی و سه تن دیگر از مراجع تقلید، آیت الله صدر، آیت الله حجت و آیت الله فیض صادر گردید.

انتشار پیام های سران جبهه ملی و نیز انعکاس اخبار مجلس و سخنرانی های اعضای فراکسیون وطن، و مقالات تند و آتشین علیه رژیم آرا در روزنامه های باختر امروز و شاهد و انعکاس آن در بین توده های مردم دولت را سخت نگران کرد. روز ۲۹ آذر دکتر حسین فاطمی مدیر باختر امروز به وسیله مأموران شهربانی بازداشت شد. چاپخانه موسوی در خیابان ناصر خسرو که روزنامه شاهد را چاپ می کرد در محاصره پلیس قرار گرفت تا از چاپ و انتشار آن جلوگیری شود. شب ۲۹ آذر، در برخورد بین پلیس با مردمی که به حمایت از چاپخانه موسوی آمده بودند، عده ای مجروح شدند و مأموران پلیس را عقب راندند.^(۱) دکتر مصدق فرمان داد نمایندگان جبهه ملی، چاپخانه هایی را که نشریات ملی در آنجا چاپ می شد، بعنوان خانه خود بدانند و روزنامه ها را در خیابان ها بفروشند. ۳۵ تن از مدیران جراید، در اعتراض علیه رفتار دولت نسبت به مطبوعات در مجلس شورای ملی متحصن شدند.

دکتر حسین فاطمی در اولین شماره پس از توقیف خود در اواخر آذر ۱۳۲۹ در مقاله ای زیر عنوان: «ایران هنوز آن قبرستانی نیست که شرکت نفت آرزو می کند» نوشت:

«من از مشروع ترین و مقدس ترین حقوق ملت ایران دفاع می کنم. عقیده میلیون ها مردم محروم و گرسنه را منعکس کرده ام و فریاد زده ام که نفت ایران به مردم ایران تعلق دارد. [...] اگر حکومت [رژیم آرا] این حرف را جرم می شمارد، من به آن مباحثات می کنم. [...] هیچ کس قدرت ندارد حرفی غیر از ملی شدن صنعت نفت به زبان آورد. رژیم آرا بخواهد یا نخواهد، باختر امروز از صدا نخواهد افتاد. تا خون در عروق من جاری است، جز این طریق نخواهم رفت...»

۱. فلم و سیاست؛ از استعفای رضاشاه تا سقوط مصدق، تألیف محمدعلی سفری، تهران، نشر نامک،

پیکار به اوج خود رسیده بود؛ در تهران و شهرستان‌ها، مردم نوارهای سه رنگ پرچم ایران را که روی آن شعار «نفت باید ملی شود» به سینه خود نصب می‌کردند. گروهی با آن شعارها به زندان می‌رفتند. در مجلس شورای ملی، تعداد نمایندگان طرفدار «ملی شدن» افزایش می‌یافت. ایران در آستانه یک تصمیم بزرگ تاریخی قرار گرفته بود. آوازه پیکار مردم ایران در سراسر جهان طنین‌انداز شده بود. دولت‌های غربی را نگران ساخته و سیاستمداران انگلیس و آمریکا را به رفت و آمدهای شتابزده و مذاکره در تالارهای درسته واداشته بود. حادثه‌ای که شرکت نفت انتظار آنرا نداشت در شرف وقوع بود!

بخش دوم — سپهبد رزم آرا در تنگنای سیاسی

دولت رزم آرا، زیر فشار سفارت انگلیس و در عین حال مخالفت فزاینده افکار عمومی مردم ایران در تنگنا قرار گرفته بود. با توجه به رد لایحه الحاقی در کمیسیون نفت، دولت تصمیم گرفت از آن دفاع کند و در صورت فراهم نبودن زمینه مساعد، لایحه را مسترد کند تا با استفاده از دفع الوقت، به مانورهای دیگری مبادرت ورزد، اما رهبری جبهه ملی که از تصمیم دولت آگاه شده بود، پیشدستی کرد؛ در جلسه دوم دی ماه ۱۳۲۹ زمینه چینی دولت را در مورد استرداد لایحه قرارداد الحاقی فاش ساخت. در آن جلسه حسین مکی مخبر کمیسیون نفت، نطق جالب و افشاگرانه‌ای ایراد کرد که قسمت‌هایی از آن در زیر نقل می‌شود:

«... اگر آقای نخست‌وزیر مطالبی دارند که بایستی بگویند چرا پشت تریبون نمی‌گویند تا اقلیت جواب بگوید؟ چرا جلسه «قائم موشک» درست می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که اقلیت در جلسه خصوصی شرکت بکند و فقط یک عده بخصوص را دعوت می‌کنند؟ [...] خواستم عرض کنم که ایشان (اشاره به نخست‌وزیر) بلند شدند و رسماً گفتند که ما لیاقت و شخصیت اداره کارخانه سیمان را هم نداریم. این را به اکثریت گفتند؛ گرچه اجازه ندادند بعد از نطق ایشان کسی از آقایان اکثریت بلند شوند صحبت کنند، والا من مطمئن بودم که غالب نمایندگان اکثریت می‌گفتند این بی‌لیاقتی دولت است؛ باید بگویند چرا لیاقت نداری کارخانه سیمان را اداره کنی؟...»

سپس مکی، رزم آرا را با نحاس پاشا، نخست‌وزیر انقلابی و وطن‌پرست مصر مقایسه کرد و او را به سبب نداشتن عرق ملی سرزنش کرد و گفت:

دای کاشی یک موی نحاس پاشا در تن این نخست‌وزیر بود! نحاس پاشا، وقتی که دانشجویان مصری قیام می‌کنند و می‌گویند می‌خواهیم کانال سوئز را بگیریم، می‌گوید به دانشجویان که اولین فردی اگر بنا شود از افراد مصر برای تصرف کانال کشته بشود، او [نخست‌وزیر، نحاس پاشا] خواهد بود.

آنوقت نخست‌وزیر ما، هرچه واکه شرکت نفت به او دیکته می‌کند، می‌آید در جلسه خصوصی تحویل می‌دهد. روزی که راه‌آهن سراسری ایران را مشغول ساختمان‌ش شدتد، هیچ کس تصور نمی‌کرد که مهندسین ایرانی و افراد ایرانی بتوانند یک چنین شاهکار فنی و معماری را در ایران به وجود بیاورند. [...] ایرانی شخصیت دارد و هیچ زیر بار این حرف‌های پوچ نمی‌رود، که نخست‌وزیر بلند شود سلب شخصیت از مهندسین عالی مقام ایرانی بکند...

بنده امروز شنیدم که آقای نخست‌وزیر می‌خواهد لایحه نفت را بیاید پس بگیرد (دکتر بقایی - از لندن امر شده) این لایحه نیست، گزارش کمیسیون است، نمی‌تواند پس بگیرد [...] من اطمینان دارم وجدان پاک عده‌ای از نمایندگان محترم هیچ وقت اجازه نمی‌دهد که این طور شرکت نفت اموال ملی و منابع حیاتی این مملکت را غارت بکند و آنوقت، یک رئیس دولت هم بیاید در جلسه خصوصی این طور به ملت ایران و مهندسین ایرانی توهین بکند و بگوید ما لیاقت نولهنگ سازی را هم نداریم. خود او لیاقت ندارد که بتواند حق ملت ایران را بگیرد...

ما توانایی همه کار داریم، وانگهی، اگر ما فکر بکنیم که وقتی این منابع را ملی کنیم عوایدی برای ملت ایران حاصل نخواهد شد، بنده عرض می‌کنم که اگر تمام این نفت را به دریا بریزیم، یا در جاهای یمن را ببندیم و نفوذ بیگانه را از این مملکت قطع بکنیم، بزرگ‌ترین خدمت را به این کشور کرده‌ایم و توانسته‌ایم جلو خرابکاری و بدبختی این مملکت را در آتیه بگیریم.^(۱)

استرداد لایحه قرار داد الحاقی

بطوریکه پیش‌پیشی شده بود، سپهبد رزم‌آرا، برای جلوگیری از طرح و تصویب پیشنهاد جبهه ملی برای ملی شدن صنعت نفت و ادامه مذاکره با شرکت، تصمیم گرفت لایحه قرارداد الحاقی را از مجلس پس بگیرد. بدین منظور غلامحسین فروهر، وزیر دارایی در جلسه ۵ دی ماه مجلس شورای ملی، نخست به سخنان نمایندگان اقلیت پاسخ داد و سپس لایحه مزبور را پس گرفت. فروهر نخستین و آخرین وزیر دارایی بود که به طور علنی از قرارداد الحاقی دفاع کرد و ملی کردن نفت را زیان‌بخش و ندامت‌بار دانست. قسمت‌هایی از بیانات فروهر در زیر نقل می‌شود:

«... یکی از موضوعاتی که آقایان ناطقین محترم سعی کرده‌اند آنرا با استناد به یک سلسله مطالب که به قول خودشان ادله و براهین قطعی بوده به نظر بنده یک سلسله بیاناتی بیش نیست، [اثبات کنند] این مطلب بود که یک دولتی صرفاً از نظر اینکه دارای حق حاکمیت است می‌تواند زیر امضای خود بزند و تعهداتی را که قبول کرده

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی، مورخ ۲ دی ماه ۱۳۲۹، روزنامه رسمی کشور.

است از بین ببرد و با استناد به حق حاکمیت خود، قراردادهایی را که امضاء نموده است ملغی الاثر تشخیص دهد...

آقایان محترم! من یقین قاطع دارم که شما با اتخاذ چنین رویه‌ای موافق نباشید و آنرا جایز نشمارید، چه رسد به اینکه آنرا تأیید کنید. [...] آقایانی که طرح ملی کردن را پیشنهاد کرده‌اند و در اطراف آن استدلال نموده‌اند، این قسم جلوه داده‌اند که ملی کردن یعنی مصادره نمودن و خواسته‌اند با این عبارت اذهان را مشوّب نموده و اینطور وانمود بکنند که چنانچه تصمیمی بر ملی شدن نفت گرفته شود تمام دستگاهها و مؤسسات نفتی جنوب بلاعوض در تصرف دولت درآمده و از آن بابت یک شاهی و یک دینار نباید پرداخت، و حال آنکه آقایان نمایندگان محترم بخوبی مسبقاًند که مقصود از ملی کردن صنایع به معنای فرنگی و دولتی کردن آن، و به معنای ایرانی، مصادره آن نیست، بلکه باید مؤسسات را تقویم کرد و وجه آنرا پرداخت و معلوم نیست از چه محل این مبلغ را باید پرداخت. مسأله دیگری را که لازم می‌داند به آن اشاره کند، که لفظ ملی شدن شاید زیاد دلچسب باشد، اما معلوم نیست نتایج آن چه خواهد بود. زیرا تجربه نشان داده است، جایی که مبادرت به ملی کردن نفت نموده است، جز خسران و زیان و ندامت و پشیمانی چیزی ندیده است. [...] جای تردید نیست که با وضع کثرتی جهان، ملی کردن صنعت نفت در ایران جز ایجاد بدبختی و بیکار نمودن جمعی مردم مستمند و فقر و فاقه خانواده‌ها و کسان آنها نتیجه‌ای نخواهد داشت. [...] و چنین مسؤولیتی را دولت نمی‌تواند به عهده بگیرد و فقط آنرا از نظر تظاهر و خودنمایی تلقی نماید، بلکه بایستی صریحاً در پیشگاه نمایندگان محترم به عرض برساند که چنین عملی برخلاف مصالح مملکت بوده و هرکس چنین پیشنهادی می‌نماید، مسؤولیت بسیار بزرگ و پرشدیدی را در پیشگاه تاریخ کهنسال ایران به عهده خواهد گرفت...

فروهر از گلشایبان که امضاءکننده قرارداد الحاقی در دولت ساعد بود، دفاع کرد و با پرشمردن مزایای مالی آن، در مقایسه با قرارداد سال ۱۹۳۳ آنرا به سود ایران دانست و افزود:

... وزیر اسبق دارایی ایران که برحسب تصویب دولت وقت، قرارداد الحاقی را امضا کرده است، مرتکب چه گناهی شده که باید او را خائن بخوانند. آقای گلشایبان یا تصویب دولت قراردادی امضا کرده است که نسبت به امتیازنامه ۱۹۳۳ دارای مزایای مهمی بوده است؛ مثلاً طبق امتیازنامه ۱۹۳۳ حق الامتیاز دولت ایران از برای هر تن [نفت] ۴ شیلینگ تشخیص داده [شده] بود و قرارداد الحاقی این ۴ شیلینگ را به ۶ شیلینگ ترقی داده است. [...] آیا دولتی که این قرارداد را تأیید می‌کند که طبق آن ۴۰ میلیون لیره باید اضافه پرداخت شود و به واسطه عدم تعیین تکلیف پرداخت نشده، مرتکب خیانتی شده است؟...

در خاتمه، نظر به اینکه کمیون مخصوص نفت لایحه قرارداد الحاقی را جهت استیفای حقوق ایران کافی ندانسته، دولت این لایحه را مسترد می‌دارد تا طبق قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ در [استیفای] حقوق کشور اقدام و نتیجه را به عرض برساند...

بیانات فروهر در دفاع از لایحه قرارداد الحاقی و استرداد آن، طوفانی از خشم و انتقاد نمایندگان اکثریت و اقلیت را برانگیخت و بر تعداد مخالفان دولت و طرفداران «ملی شدن» افزود. عبدالقدیر آزاد، فریاد کنان گفت «خیانت کردند، خائن‌ها، گلوله می‌خواهند!». چندتن دیگر نمایندگان گفتند «خائن‌ها». دکتر بقایی اظهار داشت «بویین گفته»، آقای رییس: سؤال فرمودید بویین کیست؟ بویین (۱) آن کسی است که امر کرد بیایند این حرفها را بزنند.

حسین مکی گفت: حق ندارید پس بگیریید. من مخبر کمیسیون هستم. باید توضیح بدهم. کشاورز صدر دولت را استیضاح کرد. جمال امامی در میان هیاهوی نمایندگان گفت:

«... من نفهمیدم که چرا این تشنج و هیاهو ایجاد شد. [...] یک لایحه‌ای دولت داده و کمیسیون هم رد کرده و دولت آمده استنباط می‌کند که مجلس هم این لایحه را رد می‌کند (دکتر بقایی - پس چرا نمی‌گذارند رأی بگیرند) می‌ترسند و تعجب از آقای وزیر دارایی است که این همه حماسه سرایی لازم نبود. می‌آمدید می‌گفتید ما لایحه را پس می‌گیریم، من آنم که ضحاک را کاوه کشت، ندارد. مجلس هم تکلیفی دارد، بعد از آنکه دولت مسترد داشت، تکلیف این قرارداد را معین می‌کند، او با ماست، به دولت مربوط نیست.» (۲)

اظهارات فروهر وزیر دارایی در میان اعضای کابینه اختلاف و تشنج ایجاد کرد. شماری از وزیران تهدید کردند که کناره‌گیری می‌کنند، برخی می‌کوشیدند با جدا کردن خود از این اقدام نابخردانه، اوضاع را ترمیم کنند. به عنوان مثال شمس‌الدین جزایری وزیر فرهنگ ادعا کرد که اظهارات فروهر ناشی از حماقت او بوده و حتی نخست‌وزیر با چنین سخنانی موافق نبوده است. (۳) سرانجام در ۸ دیماه سه‌تن از وزیران، دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد ملی، مهندس جعفر شریف‌امامی وزیر راه، مهندس ابراهیم مهدوی وزیر کشاورزی، در اعتراض به سخنان فروهر وزیر

۱. وزیر خارجه دولت انگلیس.

۲. مذاکرات مجلس شورای ملی، مورخ ۵ دی ۱۳۲۹، روزنامه رسمی کشور.

۳. باختر امروز، ۲۸ دی ۱۳۲۹.

دارایی کناره‌گیری کردند.

واکنش مجلس نسبت به اظهارات وزیر دارایی و پس گرفتن لایحه قرارداد الحاقی بسیار شدید و پُر سرو صدا بود؛ در جلسه بعد، دکتر عبدالله معظمی، نماینده اکثریت، سخنان فروهر، وزیر دارایی و اقدام دولت را در پس گرفتن لایحه قرارداد الحاقی مورد انتقاد و نکوهش قرارداد و گفت:

و... تأسف من بیشتر از طرز حکومت این مملکت است؛ باور بفرمایید که من هیچ مخالفتی با دولت نداشتیم و حتی از طرفداران جدی دولت، تا همان ساعتی که این لایحه استرداد شد، بودم. من صمیمانه با آنها موافقت کردم، یعنی هر جا که احتیاج به رأی داشتند، رأی دادم ولی مذاکرات بدون فکر وزیر دارایی مرا به این فکر واداشت که متأسفانه با وجودی که مملکت ما مشروطه است، هنوز از مشروطیت آثاری در این مملکت نیست. (صحیح است) [...] الان یک مجلس شورای ملی داریم، یک مجلس سنا، و بنده یکی از افراد اکثریت هستم، بدون آنکه اطلاع داشته باشم که دولت راجع به این موضوع حیاتی، چه رویه‌ای اتخاذ خواهد کرد. صبح که می‌آیم به مجلس، یک وقت می‌بینم که در این موضوع حیاتی جلسه تشکیل می‌شود و بعد از نطق قبل از دستور، آقای رییس می‌فرمایند گزارش کمیسیون نفت مطرح است. وزیر دارایی می‌آید پشت تریبون، یک تخطی می‌کند که تماشا به ضرر ملت ایران است و مخصوصاً مجلس شورای ملی باید توجه داشته باشد مذاکرات ایشان را رسماً رد کند.

دکتر معظمی واکنش وزیران را نسبت به بیانات وزیر دارایی به نشانه بی‌اطلاعی وزیران از محتوای تصمیم دولت، در امر مهمی مانند مسأله نفت و لایحه قرارداد الحاقی توصیف کرد و با ناراحتی گفت:

پس از آنکه این نطق را اینجا ایراد فرمودند، در دنبالش لایحه را استرداد کردند. وقتی لایحه را استرداد کردند، در همین جا، بین آقایان وزرا اختلاف شد. همین جا که نشسته بودند اغلب می‌گفتند ما از مدلول نطق ایشان اطلاع نداشتیم و از استرداد لایحه هم اطلاع نداشتیم. من فوق‌العاده متأثر شدم و گفتم در یک مملکتی که مشروطه است، یک وزرایی را ما تعیین می‌کنیم و رأی اعتماد به دولت می‌دهیم. رأی اعتماد معنی‌اش چیست؟ معنی‌اش این است که به ۱۲ به ۱۴ نفر یک عده‌ای رأی اعتماد می‌دهند که بنشینند، مسائل و منافع مملکتی را بحث کنند و با توجه به اوضاع سیاسی و اقتصادی، یک تصمیمی بگیرند، متأسفانه این موضوع به طوری که معلوم شد در هیأت دولت مطرح نشده است...

دکتر معظمی با اشاره به ضد و نقیض‌گویی سپهبد رزم‌آرا و اختلاف نظر وزیران در توجیه اقدام دولت، نتیجه گرفت که استرداد لایحه قرارداد الحاقی،

قانونی نبوده است:

و در مصاحبه‌ای که جناب آقای نخست‌وزیر در روزنامه اطلاعات فرمودند، در آنجا می‌فرمایند که راجع به استرداد لایحه در هیأت دولت مذاکره نشده است، زیرا بنا بوده است که اکثریت لایحه‌ای تهیه بکنند و به دولت مأموریت بدهند بعد از اینکه رأی کمیسیون را تصویب کردند آنها بروند مذاکره کنند. این قسمت که در هیأت دولت مطرح نشده است و خود ایشان اقرار می‌فرمایند. این دلیل براین است که این استرداد قانونی نیست. (صحیح است)

دکتر معظمی در توضیح نتایج زبانبار سخنان «سنجیده» و «نهمیده» وزیر دارایی، خطاب به سپهبد رزم‌آرا که در جلسه حضور داشت گفت:

«خدای من شاهد است آقای نخست‌وزیر: من اگر می‌دانستم که این تصمیم را دارید، نمی‌گذاشتم جنابعالی این کار را بکنید؛ غیرممکن بود؛ برای اینکه هم به ضرر مملکت بود و هم یک تشنجی بر تشنجات مملکت افزود. [...] آقای وزیر دارایی یک لطمه بزرگی، بدون تردید به حقوق ملت ایران زده است. [...] وقتی حقوق یک ملتی در میان است، تمام این دستگاهها برای نفع ملت ایران است. به ضرر مملکت تفسیر کردن معنی ندارد. [...] چه طور ممکن است حق یک جامعه‌ای را اجازه داده شود یک فردی به نام وزیر دارایی بیاید در مقابل نمایندگان ملت، آن نطق در واقع سنجیده و نهمیده را بکند.

یک کمیسیون معین شده است؛ آقای دکتر مصدق با حالت کسالتی که داشتند مرتباً آمدند و من تاریخ را که اینجا نگاه کردم می‌بینم که شش ماه زحمت کشیده‌اند. تمام آقایان که آنجا بودند، به اتفاق آراء، از روی کمال وطن‌پرستی یک گزارش داده شده است. [...] در مقابل سه سال زحمت برای استیفای حقوق ملت ایران، آیا یک مسأله بدین مهمی این قدر قابل بحث نبود و اهمیت نداشت که یک مرتبه در جلسه خصوصی صحبت شود که این لایحه را می‌خواهیم استرداد بکنیم؟ این را می‌خواهم عرض کنم و من خلا می‌داند از روی همین وظیفه وجدانی است که لازم بود توجه آقایان را جلب کنم که الان یک خشم و غضبی در میان مردم موجود است که اگر توجهی به این قسمت نشود، برای مملکت ما بسیار خطرناک است...»

دکتر شایگان طی بیانات مشروحی، ضمن تشریح قرارداد ۱۹۳۳ و ابطال قانونی آن، اقدام وزیر دارایی را در استرداد لایحه تقبیح کرد. وی در پاسخ به بیانات سپهبد رزم‌آرا در جلسه خصوصی مجلس که ملت را تحقیر کرده بود، اظهار داشت:

«...نخست‌وزیری که یابستی از احساسات عمومی ملت ایران استفاده بکند و یک ملتی را نجات بدهد، می‌روند در جلسه خصوصی می‌گویند؛ آقا شما چه می‌گویید؟

شما، بنده و همه چه می‌گویید؟ من می‌گویم شما کارخانه سیمان را نمی‌توانید اداره کنید، شما، لوله‌نگ را هم نمی‌توانید بسازید. حسن حقارت در کیست؟ کیست که خودش را حقیر می‌بیند و ملت خودش را حقیر می‌بیند؟ ... آن آب سردی را که این آقای نخست‌وزیر بر احساسات ملی ایران ریخت، آن آب سرد، ناشی از حسن حقارتی است که در شخص خود او وجود دارد، نه در ملت ایران (صحیح است)...

سپهد رزم‌آرا در همان جلسه در پاسخ به اظهارات نمایندگان جبهه ملی و دیگران، با اعتراف به اشتباهاتی که روی داده است، گفت:

«... بیاناتی که می‌فرمایند کاملاً بجاست و مورد تصدیق است و بنده نمی‌توانم در مقابل این بیانات پرحرارت و رسای آنها مطلبی عرض کنم، ولی چیزی که بنده از بیانات آقایان در ظرف این چند جلسه استنباط کردم این طور به نظر رسید که بعضی اشتباهات شاید حاصل شده باشد که شاید بتوانم با تذکر و تشریح این مطالب رقع سوء تفاهمات را بکنم...»

سپس رزم‌آرا با تشریح اقدامات دولت درباره مسأله نفت طی چهارماه گذشته، بدون اظهارنظر نسبت به اظهارات فروهر و استرداد لایحه گفت:

«دولت منتظر است با دریافت مأموریت از سوی مجلس شورای ملی با کمپاتی وارد مذاکره شود...»^(۱)

پس از پایان سخنان نخست‌وزیر، چندتن از نمایندگان تقاضای پاسخگویی به گفته‌های وی را داشتند، ولی رئیس مجلس، طرح پیشنهادی چندتن از نمایندگان راجع به مردود بودن بیانات فروهر وزیر دارایی را با قید دو فوریت مطرح کرد. این طرح در جلسه ۲۱ دیماه ۱۳۲۹ در دستور کار مجلس قرار گرفت. چندتن از نمایندگان اکثریت برای جلوگیری از تصویب طرح از جلسه خارج شدند که نام آنها به عنوان کسانی که جلسه را ترک کرده‌اند اعلام شد. سرانجام در ساعت یک بعدازظهر، مجلس شورای ملی به موجب طرحی که به توافق اکثریت رسید، بیانات وزیر دارایی را در جلسه ۵ دیماه مردود دانست.^(۲) روز بعد فروهر وزیر دارایی استعفا کرد، وزرای مستعفی نیز به کار خود بازگشتند.

۱. مذاکرات مجلس شورای ملی در جلسه ۱۹ دیماه ۱۳۲۹، روزنامه رسمی کشور.

۲. متن طرحی که به تصویب رسید بدین شرح بود «بیانات وزیر دارایی در جلسه سه‌شنبه ۵ دیماه ۱۳۲۹ راجع به نفت به هیچ وجه مورد تصدیق مجلس شورای ملی نمی‌باشد و مردود است.»